

کنش های متاثر از محیط و راهبردهای مهار پدیده مجرمانه

عبدالرحمن عصاره* هوشنگ شامبیانی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۲۲

چکیده:

اثرات زیست گاه و محیط جغرافیایی بر رفتار انسان قابل چشم پوشی نیست محیط به زمینه‌ی اشاره دارد که رفتار دقیقاً در آن روی می‌دهد. وقتی سخن از تحلیل محیط داریم در حقیقت به جستجوی سامان دهی هایی در روابط بین رفتارها و محیط پرداخته ایم. وجود مردمانی که اگر فرصتی به دست آورند، مرتکب جرم خواهند شد و تاثیراتی که وضعیت جغرافیایی، آب و هوا و به طور کلی محیط پیرامونی می‌تواند بر کنش های آدمی ایجاد نماید در نظریه‌ی محیطی جرم، مد نظر قرار می‌گیرد. بنابراین، امروزه به جای تبیین انگیزش ارتکاب جرم در ذهن مجرم، وضعیت ها و شرایطی را که به مجرمان انگیزه و فرصت ارتکاب جرم را می‌دهند یا علل محیطی که آدمی را تحت تاثیر خود قرار میدهند و به واسطه‌ی آن ارتکاب جرم تسهیل میگردد تبیین می‌شود. اگر انسان را در ارتکاب جرم صرفاً مختار بدانیم، بر نیروهای قدرت مند محیط پیرامونی چشم بسته و اگر او را مقید بنامیم، اختیار و قوه‌ی تمیز را آشکارا نغض کرده ایم بنابراین باید باور کرد که انسانیم و متاثر از نیروهای طبیعت، نیروهایی چون درجه حرارت، تراکم و معماری شهری، آداب و رسوم، فرهنگ و...

به دیگر سخن توزیع جغرافیایی جرم و جنایت و ارتباط میان طراحی فضا و الگوهای رفتاری هنجار و ناهنجار نشان می‌دهد که از طریق سازگاری و انعطاف پذیری در سازماندهی عناصر تشکیل دهنده‌ی فضا و طراحی محیط (معماری) می‌توان بستر مناسبی برای کاهش ناهنجاری ها و افزایش رفتارهای اجتماعی هنجار در شهر فراهم آورد. چرا که عموماً کنش های ما در محیطی با تراکم بالا و احیاناً شرایط جوی نامساعد شدید تر و دارای پتانسیل تولید جرم است. براین اساس هدف این مقاله، شناخت عوامل محیطی و راه کارهای عملی در کاهش و رفع علل مولد جرم بوده و می‌کوشد ضمن تبیین نظریات و تجارب دانشمندان مختلف علاوه بر توجه به علم جرم شناسی، جغرافیای علم را نیز مد نظر قرار دهد. و نتیجه تحقیق نیز حاکی است گونه های مختلف آب و هوایی، فرهنگی و آداب و رسوم حاکم بر اقالیم مختلف در حد وسیعی در پیدایش و تغییر کنش ها و اعمال هنجار شکن تأثیر گذار است، فلذا شناخت محیط به عنوان مهم ترین علل مولد جرم نخستین گام مؤثر در مبارزه با بزه کاری به منظور از بین بردن عوامل جرم زا و یا حداقل کاهش اثرات آن است.

واژگان کلیدی: محیط جغرافیایی، پیش گیری از جرم و طراحی محیطی، علل جرایم، جرم شناسی

مقدمه:

از موضوعات مهمی که امروزه با امنیت کشورها گره خورده پیش گیری از جرم است و کشورهای پیشرفته در کنار طرح های کوتاه مدت برای مهار بزه کاری به دنبال راه کارهای طولانی مدت به منظور کنترل پدیده مجرمانه هستند تا احساس امنیت بر تمامی ارکان جامعه مستولی گردد. کشورهای اروپایی در زمینه پیش گیری از بزه، تاکنون فعالیت های مستقل فراوانی آن جام داده‌اند و در دهه اخیر با تقویت و تحکیم اتحادیه‌ی اروپا دست به تدابیر جمعی برای تأمین امنیت به طرق مختلف زده‌اند و از جمله به مسأله پیش گیری از جرم پرداخته‌اند چرا که در عصر حاضر یکی از پیچیده ترین مسایل در اکثر اقالیم نرخ بالای جرم و افزایش ناهنجاری ها و انحرافات است؛ بروز انواع جرایم علاوه بر ایجاد حس ناامنی، مشکلات مالی عدیده ای بردوش جامعه، دولت و تشکیلات قضایی تحمیل میکنند از این رو سیاست های پیش گیری از جرم بیش از پیش ضرورت می‌یابد.

امنیت که در فارسی کلاسیک با واژه‌های **زِنهار** و **زینهار** ادا می‌شد حالت فراغت نسبی از تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند.

* کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، واحد علوم و تحقیقات ساوه

** استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی

امنیت را بسته به زمینه کاربرد می‌توان به چند گروه تقسیم نمود:^۱
امنیت فردی: حالتی است که در آن فرد فارغ از ترس آسیب رسیدن به جان یا مال یا آبروی خود یا از دست دادن آن‌ها زندگی کند.

امنیت خانواده: هنگامی است که خانواده و اعضای آن در راه ایجاد رفاه و آسایش از هر گونه مشکل و خطری مصون و در صورت بروز هر خطری زمینه برای حل هر چه سریع‌تر آن فراهم باشد.
امنیت اجتماعی: حالت فراغت همگانی از تهدیدی است که کردار غیرقانونی دولت یا دستگاه یا فرد یا گروهی در تمامی یا بخشی از جامعه پدید می‌آورد. در نظام حقوقی جدید، فرض بر این است که قانون، با تعریف و حدگذاری آزادی‌ها و حقوق فرد و کیفر دادن کسانی که از آن حدود پافراتر گذشته‌اند امنیت فردی و اجتماعی را پاسبانی می‌کند.

امنیت ملی: حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمامی یا بخشی از جمعیت، دارایی، یا خاک خود به سر برد؛ امروزه کمابیش در همه‌ی کشورها نوعی پلیس سیاسی یا امنیتی وجود دارد که مقصود از آن جلوگیری از نفوذ عوامل محرک و ویران‌گر و به عنوان مثال جاسوس به داخل کشور و سرکوبی کسانی است که از راه‌های غیرقانونی تهدیدکننده‌ی نظم سیاسی موجود به شمار می‌آیند. هرچه نظامی تمامیت‌خواه‌تر باشد قدرت پلیس سیاسی و شدت و خشونت آن در آن نظام بیشتر است. این گونه نظام‌های سیاسی که مجالی برای مخالفت علنی و قانونی نمی‌گذارند، مخالفان یا دشمنان خود را همواره به نام «دشمنان امنیت ملی» یا نام‌های دیگر سرکوب می‌کنند.

امنیت بین‌المللی: حالتی است که در آن قدرت‌ها در حالت تعادل و بدون دست‌یازی به قلمرو یکدیگر به سر برند و وضع موجود در خطر نیفتد. هرگاه یکی از قدرت‌ها از محدوده‌ی خود پافراتر گذارد، از لحاظ قدرت (ویا قدرت‌های) مخالف، امنیت بین‌المللی «در خطر افتاده‌است».

امنیت سایبری: با ظهور فضای (دنیای) سایبری، کاربران یا همان شهروندان سایبری نیاز به احساس امنیت در فضای سایبری برای آن‌ها امور خود دارند که این امنیت ابتدا با افزایش سطح آگاهی و دانش خود کاربران و سپس با کمک شرکت‌های امنیتی و مراجع قانونی و پلیس‌های سایبری فراهم می‌شود.

امنیت منطقه‌ای: هنگامی که یک کشور اطراف کشور دیگری را مورد حمله و تهاجم قرار می‌دهد در این صورت امنیت منطقه‌ای آن کشور به هم خورده است. بنابراین فقدان تهدید و خطر پیرامونی کشور امنیت منطقه‌ای است.

کوچک‌ترین سطح امنیت فردی یا جسمی و بزرگ‌ترین آن امنیت جهانی است.
مطالعات نوین و تجارب گذشته همگی مبین این واقعیت است که صرفاً تعقیب کیفری و مجازات مجرمین نمی‌تواند برای زدودن پدیده مجرمانه از پیکره اجتماع کافی باشد و به طوری‌قین تا عوامل جرم‌زا در جامعه موجود باشد مبارزه با مجرم به عنوان معلول، علی‌رغم بودجه عظیمی که صرف می‌شود بی‌فایده است.

برای مقابله با بزه کاری باید به همه ارکان و عوامل توجه نمود و به عبارت دیگر پیش‌گیری نیازمند توجه به سه عامل جرم، مجرم و بزه دیده به عنوان ارکان اصلی بزه کاری است پیش‌گیری از جرم با هدف کاهش فرصت‌ها و انگیزه‌ی مجرمانه آن‌ها می‌گیرد چرا که ارتکاب جرم به روش‌های مختلفی صورت می‌پذیرد و کشف جرم علاوه

^۱. داریوش، آشوری، دانش‌نامه‌ی سیاسی، نشر مروارید، چاپ شانزدهم ۱۳۸۷ - ص ۳۸

بر اتلاف زمان هزینه‌ی هنگفتی را می‌طلبد.

مبارزه با جرم و کج رویه‌ی ای اجتماعی منوط به شناخت عوامل جرم‌زا است که با از بردن این عوامل یا کاهش اثرات آن می‌توان از بروز جرایم پیش‌گیری و یا حداقل از میزان آن کاست. کنترل پدیده مجرمانه که نیازمند توجه به مؤلفه‌های بسیاری است به یک عزم ملی از سوی تمامی اقشار و اعضای پیکره‌ی اجتماع (دولت - مردم و...) و تأمین بودجه، اعتبارات، تجربه، آموزش و مدیریت مناسب دارد.

در این میان زیست‌گاه که مجموعه اوضاع و احوال مادی و غیر مادی احاطه‌کننده‌ی فرد است در نوع، کیفیت و کمیت جرایم حایز اهمیت بسیار است. زیست‌گاه‌های متفاوت بر رفتار (کنش و واکنش) افراد تأثیرات متفاوتی دارد؛ در حقیقت رفتار انسان‌ها تا حدی محصول زیست‌گاه و محیطی است که خود، آن را ساخته و سپس از آن متأثر شده‌اند.

۱. علل مولد جرم

بی‌تردید رابطه‌ی انسان با مکان و به‌طور کلی محیط پیرامونی، به وسیله‌ی مجموعه‌ی کنش‌های او نمود می‌یابد هر انسان با توجه به سطح آگاهی، دانش، نیاز و توان فنی خود در محیط پیرامونی مداخله و تصرف می‌نماید و این شرایط محیطی و مکانی است که حدود و نحوه عمل و شیوه رفتارهای او را مشخص می‌کند.

تمام ناهنجاری‌ها و مفاسد اجتماعی و هر فعل و ترک فعلی که تحت عنوان جرم تاکنون شناخته شده به هرنحوی که از انسان سرزند دارای بستر زمانی و مکانی است به بیانی دیگر تمامی اعمال مجرمانه دارای ظرف مکانی و زمانی خاص است که آن‌ها را از هم متمایز می‌سازد بنابراین تفاوت در شرایط مکانی، توزیع فضایی نابرابر جرم را در پی دارد و این تفاوت موجب می‌شود که در واحد مکان، ناهنجاری‌های اجتماعی به طوریکسان پراکنده نباشد.

مطالعه‌ی رابطه‌ی متقابل محیط کالبدی با رفتارهای اجتماعی ناهنجار و منحرفانه و آمارهای حاصله در خصوص ارتکاب جرایم در محیط‌های مختلف نشان می‌دهد که مجرمین اغلب در ارتکاب جرم ناچار و ناگزیر از ارتکاب جرم؛ البته مجرمین عموماً دارای انتخابی منطقی بوده و به دنبال فرصت‌های مناسب و کم‌خطر برای ارتکاب جرم‌اند، از این رو مناطقی را برای ارتکاب جرم بر می‌انگیزند که شرایط مناسبی داشته و کم‌ترین خطر و هزینه را بر آنان تحمیل نماید.

بنابراین لزوم شناخت مکان به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ایجاد فرصت‌های مجرمانه و یا تسهیل‌کننده انحراف و تغییر در فضای پیرامونی از طریق مقاوم‌سازی، خلق شرایط و فضاهای مقاوم و رفع تبعیض و محرومیت‌های محیطی در برابر جرم می‌تواند تأثیر به‌سزایی در کاهش ناهنجاری‌ها داشته باشد.

انتخاب منطقی مجرمین با توجه به مؤلفه‌هایی چون قربانی جرم، مکان، امکان شناخته شدن، دستگیری و... است لذا با طراحی مناسب و درست و کاربردی مؤثر از فضا می‌توان علاوه بر کاهش فرصت مجرمانه بر کیفیت زندگی افراد افزود.

بی‌شک یکی از پیچیده‌ترین مسایل و دغدغه‌های اخیر جوامع شهری پدیده‌ی مجرمانه است. منظور از پدیده مجرمانه که موضوع مطالعه و بررسی علم جرم‌شناسی است معنای عام کلمه است که صرفاً صبغی جزایی و حقوقی ندارد، به دیگر سخن پدیده مجرمانه هم شامل جرم است هم انحراف یا کژروی

جرم که دلغت به معنای خطا و عصیان است از نگاه حقوقی به عنوان عملی ضدقانون و ناهنجار تلقی می‌شود که از طریق مجازات و کیفر منع شده و در واقع صبغه جزایی دارد. اما انحراف یا کژروی که معمولاً زیر پا گذاشتن ضوابط

اخلاقی و سجایای عالی انسانی است اعمالی است هنجارشکن که صبغه اخلاقی دارد و دارای ضمانت اجرای کیفری نیست بلکه سرزنش گروهی و اجتماعی را در پی دارد، البته در جوامع سنتی و مذهبی برخلاف جوامع غربی انحراف عموماً مفهوم واقعی و مستقلى ندارد؛ این مفهوم در بزه ادغام شده و در این جوامع بزه و انحراف، اصولاً دارای عنوان جرم و ضمانت اجرای کیفری هستند.

به عبارت دیگر در این گونه جوامع قانون گذار برای هر دو پدیده پاسخ و واکنش قانونی پیش بینی کرده است.

«مرز بین انحراف و بزه کاری بستگی به آستانه گذشت در جامعه دارد»

مقابله با پدیده مجرمانه که اعم از جرم و انحراف است به عنوان تهدید کننده نظم اجتماعی تنها از طریق تدابیر کیفری امکان پذیر نیست و گرنه این همه نرخ بزه کاری (مجموع جرایم ارتكابی در بستر زمان و مکان مشخص) و ناهنجاری های اجتماعی علی رغم تحمیل هزینه های سنگین مالی بردوش جامعه، دولت و تشکیلات قضایی؛ فزونی نمی یافت.

اگر صرفاً با توسل به مجازات درصدد مقابله با رفتار مجرمانه بر آیم بیم آن می رود علت بروز فراموش شده و مبارزه با معلول جایگزین مبارزه با علت شود به همین دلیل جرم شناسان بزه کار و عوامل مؤثر بر پدیده مجرمانه را توامان مورد توجه قرار داده و به مطالعه آن دو می پردازند؛ دانشمندان جرم معتقدند در درمان اجتماعی برای آن که تدابیر پیش گیرانه به طور مؤثر کارگر افتد باید بیش از فعل ضد اجتماع به انسان که فاعل آن است توجه شود و بر انسان فاعل جرم، عوامل و عللی مؤثر می افتد که موجب تجلی رفتار ضد اجتماعی در اوست یعنی علل مولد جرم عامل جرم را رایج ترین اصطلاح جرم شناسی است و در واقع شناخت عوامل جرم از مبنای دانش جرم شناسی است.

نقش عامل جرم را که پدیده ایست ناشی از وضع جسمانی، روانی، اجتماعی و... در پیدایش یا افزایش جرم غیر قابل انکار است. اما عامل به وجود آورنده جرم نیست بلکه پرورش دهنده آن است.^۲ چرا که تأثیر عامل در افراد مختلف متفاوت است چه بسا افرادی تحت تأثیر عاملی مرتکب جرم میشوند در عین حال افرادی دیگر در همان اوضاع (وضع مشابه) و با همان شرایط به سر برند و مرتکب جرم شوند به عنوان مثال تأثیر عاملی چون فقر، یکی به طرف بزه کاری سوق داده می شود و دیگری در صف صلحا و پیشوایان قرار می گیرد؛ دو برادر ابونی تحت تأثیر یک نوع عامل ژنتیک بوده، در یک محیط تربیت یافته اند اما یکی درست کار و متقی و دیگری بزه کار می گردد.^۳

به دیگر سخن عوامل مولد جرم اعم از جسمانی، روانی، طبیعی، اجتماعی و... هر یک دارای نقش یکسان نیستند و به هر درجه ایی از شدت باشند همیشه و به طور مطلق موجب سوق دادن شخص به سوی بزه نمی شوند بلکه اجتماع و ترکیب چند عامل مولد جرم شخص را آماده ارتكاب جرم می نماید از این رو عوامل یاد شده به عوامل معدّه موسومند یعنی عواملی که بالقوه شخص را معد و آماده ارتكاب جرم می نماید و هنگامی که عوامل معد در شرایط خاص با اوضاع و احوال و عوامل غیر محسوس دیگری چون هیجان شدید و یا احتیاج مادی و... ترکیب و اقتران نمایند موجب می شوند جرم از قوه به فعل در آید و بزه کاری بروز نماید.

به همین دلایل جرم را پدیده ایی پیچیده می دانند که در نتیجه عوامل مختلف اعم از درونی یا بیرونی به وجود

۲. مهدی، کی نیا، مبانی جرم شناسی، ج ۳، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۹

۳. هوشنگ، کاظمی، پایان نامه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۷-ص ۴۷

می‌آید و مجموعه این عوامل علت جرم را تشکیل می‌دهند عوامل جرم را "پنیاتل" شامل عوامل خارجی، داخلی، جغرافیایی، خانوادگی (ممانعت فرزندان از آموختن و در برخی موارد تشویق آنان به ارتکاب جرم) عوامل راجع به محیط انتخابی (نقش دوستان در ارتکاب جرم) عوامل شغلی، عوامل مربوط به شرایط اخلاقی جامعه (آثار ضعف اصول اخلاقی در ارتکاب بزه - نقش سینما، تلویزیون و مطبوعات) عوامل مربوط به سیاست داخلی و خارجی کشور (هرگونه ناامنی در این زمینه منجر به عدم تعادل روحی و در نتیجه تسهیل ارتکاب جرم می‌گردد) و سرانجام نهادهای جزایی و نظام زندان‌ها (به ویژه مسأله توقیف احتیاطی) می‌داند.

بنابراین جرم شناسان مهم‌ترین علل ارتکاب بزه را فقر (اقتصادی، فرهنگی و...) اجتماع (خانواده، کوچه، مدرسه، زیست‌گاه، شهر، دانشگاه، دوستان و...) و وضعیت جسمانی می‌دانند؛ به عبارت دیگر برخی محرک‌ها بر انسان به عنوان فاعل جرم تأثیر گذارند این عوامل که از آن به علل مولد جرم یاد می‌شود در جرم‌شناسی عبارتند از اوضاع و احوال، ویژگی‌های شخصیتی جسمانی و روانی و محیطی که بزه‌کار را احاطه کرده و می‌تواند در پیدایش یا افزایش جرم نقش داشته باشد این عوامل پرورش‌دهنده و کمک‌کننده در ارتکاب جرم را می‌توان از دیدگاه کلی و از یک منظر به دودسته اصلی عوامل درونی فردی و عوامل بیرونی محیطی و مکانی طبقه‌بندی نمود:

۱.۱ عوامل درونی و اثرات محیط:

عوامل درونی بزه‌کاری خود قابل تفکیک به دو گروه عوامل ارثی و اکتسابی‌اند؛ عوامل ارثی یعنی آن‌چه کودک از پدر و مادر و نیاکان هنگام تولد با خود آورده است، تأثیر وراثت را در تکوین شخصیت کودک نمی‌توان انکار کرد آن‌چنان‌که برحسب پژوهش‌های نوین علم وراثت پاره‌ای از هنجاری‌های کروموزومی، تأثیر ژرفی در عواطف، هیجان‌ها و به طور کلی رفتار انسان دارند^۴ ویژگی‌های اکتسابی یعنی آن‌چه انسان از بدو تولد تا پایان عمر می‌آموزد. ویژگی‌های شخصیت انسان سبب می‌شود پاره‌ای از استعدادهای بالقوه شکوفا شود و یا برعکس سد راهی برای بالندگی آن فراهم گردد. ویژگی‌هایی که علاوه بر خود انسان می‌تواند گاه به طور غیر ارادی حتی بر رشد و نمو جنین تأثیر گذارد به عنوان نمونه تمایلات کم و بیش شدید برای مصرف مواد مخدر و در نتیجه دارو بارگی در شخصیت معتاد که عاملی موثر بر شرایط جنین خواهد بود. به طور کلی در زمان بارداری هر نوع عدم تعادل در نحوه تغذیه، مصرف دارو و آن‌جام اعمال فیزیکی و احساس و حالات روانی و روحی اثر مستقیم یا غیر مستقیم بر جنین دارد. و نیز کمبود اکسیژن و نرسیدن آن به مغز کودک هنگام تولد بر توسعه بعدی سیستم عصبی اثرات سوئی دارد. استفاده از اشعه ایکس در زمان بارداری شدیداً "منع گردیده چرا که اشعه ایکس و مواد رادیو اکتیو در آن بر روی طفل اثرات نامطلوب گذاشته و بعضاً باعث کوچکی مغز، کند ذهنی و کوری می‌شود.

۱.۲ عوامل بیرونی و اثرات محیط:

عوامل بیرونی شامل عواملی هستند که در محیط، انسان را همواره تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و محرک رفتارهای او به شمار می‌رود.

عوامل بیرونی یا عوامل اجتماعی شامل محیط طبیعی و اجتماعی است و آن‌چه مربوط به این دو محیط می‌گردد

۴. محمد علی، اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، انتشارات بنیاد میزان، پاییز ۱۳۹۰-ص ۳۱

موضوع بحث اکولوژی انسانی بررسی تأثیر محیط طبیعی در رفتارهای جنایی و روابط انسان ها بایکدیگر و جامعه شناسی جنایی است.

اگر چه محیط در لغت به معنای احاطه کننده، در برگیرنده، مکان، جای زندگی آدمی و در زبان عامه آن چه ما را احاطه کرده است می باشد و شامل کلیه ی کیفیات و مقتضیات عمومی یک جامعه می گردد که بر روی تمامی افراد آن اجتماع اثرات مشترک و بالنسبه یک نواختی می تواند داشته باشد در جرم شناسی همانند برخی از رشته های دیگر علوم انسانی وقتی صحبت از محیط به میان می آید جنبه پویایی و نقش مثبت آن از لحاظ تأثیری که بر روی افراد می گذارد و نه جنبه ایستایی آن مدنظر است.

۳.۱ محیط طبیعی یا جغرافیایی

محیط جغرافیایی محیطی است که انسان ها در آن به سر می برند و شامل دما، درجه حرارت، آب و هوا، خاک از یک طرف و زیست گاه (بافت شهری، روستایی یا محیطی) از سوی دیگر می باشد.

محیط طبیعی که امروزه مورد توجه دانش جرم شناسی است یکی از دغدغه های دانشمندان ادوار پیشین است دانشمندانی چون ارسطو که تأثیر آب و هوا و درجه حرارت و موقعیت مکانی در گسترش حیوانات توجه کرده است یا ابن خلدون از مورخین اسلامی و هم چنین مورخین و فلاسفه غرب چون منتسکیو، ژان بدن، روسو و... که عقاید در خور توجهی را در زمینه اثرات محیط ارایه کرده اند.

پیشتر اهمیتی را که جرم شناسی به سایر عوامل پدید آورنده یا مؤثر در جرم می داد برای عامل محیط طبیعی (آب و هوا و...) قایل نبود اما موجب تفاخر است که قرن ها پیش از این در کتب اسلامی از جمله نهج البلاغه به جملاتی بر می خوریم که به این تأثیر اشاره دارد.

به عنوان مثال قرآن کریم درباره اثر محیط زیست می فرماید: «و البلد الطیب یخرج نباته باذن ربّه و الذی خبث لایخرج الا نکدا...؛ سرزمین پاکیزه، گیاهش به فرمان پروردگار می روید؛ اما سرزمین های بدطینت و شوره زار، جز گیاه ناچیز و بی ارزش، از آن نمی روید.»

چنان که طبیعت و سرزمین پاک در رشد و پرورش بهینه گیاهان مؤثر است، در رشد و تکامل انسان نیز مؤثر می باشد، و همان گونه که از زمین های شوره زار، جز گیاهان بی ارزش نمی روید، محیط آلوده نیز تأثیر منفی و اثرات زیان باری بر تربیت انسان دارد.

امام علی (ع) درباره اثر هوای هر فصل بر انسان فرموده است: «از سرما در آغاز آن پرهیز کنید و در پایان آن به استقبال آن بشتابید، در پاییز خود را بپوشانید و در آغاز بهار از لباس های خود کم کنید؛ زیرا تأثیر سرما بر بدن ها و درختان یکسان است. اول سرما درختان را می سوزاند (باعث ریزش برگ ها و خشکاندن درختان می شود و در پایان آن می رویاند، درختان را به برگ و بار می آورد).

کلام امام درباره تأثیر طبیعت بر جسم و جان آدمی بسیار روشن و صریح است و همان گونه که طبیعت بر جسم و بدن اثرگذار است، بر روح و روان بشر نیز اثرگذار می باشد؛ حضرت در این بیان حکیمانه به مقایسه بین سرمای پاییز و سرمای بهار پرداخته اند گر چه به ظاهر، سرمای ابتدای پاییز و سرمای ابتدای بهار از جهت درجه برودت یکسان می نماید و هر دو فصل را فصل اعتدال هوا به شمار می آورند، ولی تأثیر این دو کاملاً متضاد بوده و اثری مخالف یکدیگر دارند.

ابن میثم بحرانی در شرح این مطلب می نویسد: پرهیز از اول سرما که ابتدای پاییز است به این دلیل است که

تابستان و پاییز هر دو از جهت خشکی (بیبوست) مشترک هستند و بدن‌ها با حرارت تابستان خو کرده‌اند؛ از این رو، هنگامی که با سرما مواجه شوند، به سرعت از آن متأثر شده و دو نیروی برودت و بیبوست که طبیعت ضعیف و فناست در بدن قوی می‌شود و به همین دلیل درختان خشک شده و برگ‌های آن‌ها می‌سوزد و بدن‌ها ضعیف و لاغر می‌شود... اما سرما در آخر زمستان و طلیعه بهار اثری به عکس دارد؛ زیرا زمستان و بهار در طبیعت رطوبت، اشتراک دارند، ولی زمستان سرد است و بهار گرم و از این رو سرمای آخر زمستان با حرارت بهاری ممزوج شده و از شدت سرما کاسته می‌شود و این اعتدال حرارت همراه با رطوبت زمینه مناسبی برای ایجاد طبیعت حیات و زندگی است و سبب رشد گیاهان و به برگ و بار آمدن درختان و تقویت بدن انسان‌ها می‌شود.

درخصوص تأثیر آب و هوای سالم درختان سبز و محیط آرام بر کنش‌ها و کنش‌های متقابل افراد و بزه کاری شهر و روستا و علت اختلاف آن مباحث فراوانی از سوی جرم‌شناسان مطرح گردیده مباحثی که نشان از تفاوت‌های عظیم محیط و شهر و روستا و منشا تفاوت بزه کاری در اقالیم مختلف دارد.

۴. محیط اجتماعی :

محیط اجتماعی متأثر از عوامل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است.

محیط اجتماعی جرم‌زا که شامل خانواده نابسامان، ناسازگاری والدین، نامادری، طلاق، فقر خانواده، تبعیض، بی‌محبتی، مهاجرت، تراکم جمعیت، جنگ، بزه کاری والدین و... است به دو صورت مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

محیط کلی یا عمومی که در برگرفته‌ی همه شرایط عمومی است که بر روی شهروندان یک کشور مؤثر است و محیط شخصی که فقط شامل اطرافیان فرد است که تأثیرات خاص تعیین‌کننده محیط بر روی شخص معین را مورد مطالعه قرار می‌دهد و معمولاً اثرات مؤثرتری نسبت به محیط کلی یا عمومی بر شخص می‌گذارد.

محیط‌های اجتناب‌ناپذیر که مهم‌ترین آن‌ها محیط خانوادگی است در حقیقت به محیطی اطلاق می‌شود که طفل هیچ‌گونه دخالتی در انتخاب آن ندارد و ناگزیر از پذیرش اثرات اجتناب‌ناپذیر آن است. محیط اتفاقی از قبیل مدرسه و سربازخانه که اصولاً انسان در دوره‌ای از حیات خویش ناگزیر از زندگی و فعالیت در آن است محیط انتخابی محیطی است که افراد به ویژه جوانان با توجه به شرایط خاص خود، آن را جهت سرگرمی یا استفاده‌های دیگر انتخاب می‌کنند محیط تحمیلی نیز محیط‌هایی چون زندان است که از سوی قوه قاهره به فرد تحمیل می‌شود. بر پدیده مجرمانه علل و عوامل متعددی تأثیر گذارند عواملی که با تأثیر ژرفی که بر شخصیت آدمی دارند زمینه شکوفایی برخی استعدادهای بالقوه را فراهم آورده و وی را به سوی بزه سوق می‌دهد و یا با امکان وقوع کج رویه‌ی‌ای اجتماعی را فزونی می‌بخشد از این روست که انریکوفری در کتاب تحت عنوان جامعه‌شناسی جنایی جرم را پدیده‌ای می‌داند که علت آن را باید در ترکیب عوامل متعدد بیولوژیک روانی، اجتماعی، جغرافیایی و... جستجو کرد یعنی جرم یک پدیده بیوپسیکو سوسیال است.

پیشتر تحت تأثیر نظریه‌های تکامل و وراثت و از طریق تحقیقات منظمی که توسط متفکرانی چون لمبرزو در مورد بزه کاران صورت پذیرفت توجه به عوامل فردی و اثر آن‌ها بر پدیده مجرمانه بیش از سایر عوامل بود از نظر آنان جرم پدیده‌ای فردی دانسته شده که عموماً ناشی از نقصان ساختار فردی است اما امروزه نتیجه مطالعات گسترده و همه‌جانبه‌ای که در خصوص شناخت عوامل مولد جرم به منظور مبارزه مؤثر با پدیده مجرمانه بعمل آمده تا با جلوگیری از گسترش و افزایش تصاعدی انحراف سد و مانعی محکم در برابر رواج بی‌رویه‌ی بزه کاری به موازات افزایش روز افزون جمعیت ایجاد گردد.

این است که حتی عوامل فردی نیز متأثر از شرایط محیطی و اجتماعی افراد است چرا که عوامل جسمانی و روانی خود تحت شرایط خاص و در صورت فراهم بودن موقعیت یعنی اوضاع و احوالی که مجرم قبل از دست‌یازیدن به عمل مجرمانه در آن قرار می‌گیرد می‌واند به عنوان محرکی شخص را وادار به ارتکاب بزه نماید بنابراین آن چه مسلم است مطالعه اوضاع و احوال مقدم و متقارن بر ارتکاب جرم ضروری است.

موقعیت در ارتکاب جرم، شیوه آن، کیفیت و کمیت جرم تأثیر خاص دارد ساترلند معتقد است که موقعیت لااقل به طور تبعی در ارتکاب جرم مؤثر است.

به نظر می‌رسد نقش اصلی، تعیین کننده وقایع را عوامل محیط دارند بررسی این عوامل از طریق تعیین رابطه و میزان تأثیری که بر ساختمان و خصوصیات فردی موجودات دارند مدنظر دانش نوین جرم شناسی است.

وقتی در باره عوامل و شرایط محیطی جرم را تصور گوناگون بزه و جنبه های کیفی و کمی آن، پیدایش فرد یا گروه های جامعه ستیز و هنجارشکن در میان جوامع انسانی از طریق روش های عینی و علمی در محیط پیرامون کاوش می‌کنیم در واقع رابطه بزه و بزه کار و حتی بزه دیده را با جامعه سنجیده و مشکلات و آسیب های اجتماعی که ناشی از سوءتأثیر عوامل محیطی است را تشخیص و تحلیل نموده ایم تا درمانی بیابیم برای کاهش مسایل، مصایب و مشکلات جوامع امروزی چه بسا از طریق قطع رابطه علیت، قطع عوامل مؤثر بر جرم و با تقویت برخی شرایط و اوضاع و احوالی که نقش مانع در برابر کج رویه‌ی اجتماعی دارند.

تفکری که معتقد است بزه کار قربانی جامعه است و اغلب سرچشمه جرم و جنایت را باید در خود محیط و نابسامانی های آن جستجو کرد امروزه جایگاه مقبول و مناسبی در اکثر جوامع و علوم جرم دارد.

از آن جا که هر محیطی بزه کاران خاص خود را دارد می‌توان به این مهم پی برد که شناخت همه جانبه محیط تکوین جرم و رفتارهای خطا آلود سبیل مطمینی برای شناخت عوامل مولد پدیده مجرمانه و مبارزه مؤثر علیه آن است. جرم شناسانی چون "زابو" Szabo کانادایی، بزه کاری را تا آن اندازه متأثر از محیط و عوامل اجتماعی می‌داند که جامعه و به طور کلی محیط را کارخانه بزه کاری دانسته که مهر خود را بر شخصیت بزه کار می‌چسباند اهمیت اساسی و بنیادی عوامل اجتماعی در افزایش بزه کاری به نسبت پیشرفت شهرنشینی، فرهنگ مصرفی و توسعه صنعت و عوارض آن در زندگی افراد وجود رابطه علیت را بین پدیده مجرمانه و این عوامل مبرهن می‌سازد و رشد کج رویه یا حتی در صورت وجود عواملی چون شهرنشینی، پیشرفت صنعتی عوارض نامناسب فرهنگی، افسارگسیختگی و سستی روابط خانوادگی، ازدیاد تبهکاری و ناسازگاری در میان خانواده های مستضعف از نقطه نظر مادی و فرهنگی و نیز خانواده هایی که از هم پاشیده شده اندیا در محیط های مسکونی نامناسب سکنی گزیده اند همگی مؤید رابطه محیط و بزه کاری است.

باید پذیرفت که رفتار و کنش متقابل انسان ها تابع محیطی (محیط جغرافیایی، اجتماعی، خانوادگی، فرهنگی و اقتصادی) است که در آن به سر می‌برند؛ هر فرد عادی تابع مقتضیات جامعه و شرایط آن بوده و از آن تأثیر می‌پذیرد^۵ رابطه‌ی انسان با محیط رابطه‌ی دوسویه است این رابطه به وسیله‌ی مجموعه کنش های انسان در محیط پیرامون نمود می‌یابد.

هر انسان با توجه به سطح آگاهی، دانش و توان فنی خود به دخل و تصرف در محیط پرداخته و از طرفی شرایط محیطی و مکانی حدود و نحوه عمل و شیوه رفتارهای آدمی را مشخص می‌کند بنابراین تأثیر عوامل محیطی بر کیفیت

^۵ علی، نجفی توانا، جرم شناسی، تهران، انتشارات خیام، ۱۳۷۷، چاپ اول، ص ۹۰

و کمیت بزه کاری غیر قابل تردید است هر چند عوامل محیطی مؤثر بر پدیده مجرمانه آن چنان که آوردیم معتقدند اما برخی جرم شناسان جامعه شناسان بیش از سایر عوامل محیطی بر عوامل جغرافیایی و طبیعی و تأثیری که در وقوع جرم در جوامع امروزی دارند تأکید می‌ورزند. عواملی چون درجه حرارت، آب و هوا، منطقه یا اکولوژی، تراکم جمعیت و با نیازمندیهای خاص محیط که می‌تواند در رشد بزه کاری یا تخفیف آن مؤثر باشد. دانشمندان بسیاری در طول تاریخ تأثیر آب و هوا، درجه حرارت و شرایط جغرافیایی را بر خلق و خوی آدمی مورد مطالعه قرار داده اند دانشمندانی چون سقراط، افلاطون، ابن خلدون و منتسکیو. اما منتسکیو در روح القوانین به صورتی موشکافانه و با مطالعه‌ی میدانی عمیق بر تأثیرات ژرفی که میزان دما و شرایط جغرافیایی بر بدن آدمی دارد پرداخت، مطالعاتی که در اواخر قرن ۱۸ با تلاش کتله و گری و بهره‌گیری از آمار و قانون حرارتی نام گرفت.

۲. آب و هوا

نقش و تاثیر آب و هوا بر رفتار آدمی را می‌توان از نظر جسمانی و روانی مورد مطالعه قرار داد:

۲.۱ از نظر جسمانی:

درجه حرارت، آب و هوا از دو بعد بر جسم فرد تأثیر گذار است اثر بیرونی و درونی:

۲.۱.۱ تأثیر بیرونی:

تأثیر گرما و سرما بر سطح بدن چنان است که هوای سرد منتهی الیه الیاف خارجی بدن ما را منقبض می‌کند و این انقباض باعث افزایش فعالیت آن‌ها می‌شود و موجب مراجعت خون از انتهای بدن به طرف قلب می‌گردد و هم چنین هوای سرد طول این الیاف را کمتر می‌کند پس بر نیروی آن‌ها می‌افزاید بر عکس هوای گرم منتهی الیه الیاف راسست و دراز ولذا از نیرو و قابلیت حرکت آن‌ها می‌کاهد^۶

به دیگر سخن بدن انسان از یک دسته اعصاب تشکیل گردیده و این اعصاب از هر طرف به نسج پوست بدن انسان منتهی میشود معمولا در نقاط سرد سیر نسج پوست منقبض و بر آمدگیهای آن به هم دیگر فشرده شده و در واقع یک دسته از اعصاب به حالت فلج در آمده و بالطبع عکس العمل کمتر است بنابراین یک احساس کوچک به مغز تأثیر چندانی ندارد مگر هنگامی که احساس شدید و قوی باشد و از تمام اعصاب جریان یافته باشد تصورات، احساسات، سلیقه‌ها و تندها بسته به عده بی‌شماری از احساسات کوچک است و با آن‌ها رابطه دارد. برخلاف نقاط گرم سیر که به واسطه گرمی هوا بافت‌های پوست بدن سست است و انتهای اعصاب منبسط شده و در معرض کوچک‌ترین عمل، ضعیف‌ترین اشیا و تحریکی فرد بر انگیخته میشود. البته معمولا تمام اعصاب تحریک نمی‌شود، بلکه یک قسمت جزئی که منتهی الیه آن باشد تحریک می‌شود. از این رو است که در نواحی گرم سیر تحریک پذیری افراد سریع‌تر، به مراتب بیشتر از نواحی سرد سیر و بالطبع تمایل به پرخاش‌گری نیز بیشتر و سریع‌تر است و این خود زمینه مساعدی برای بروز اعمال ضد اجتماعی را فراهم می‌سازد ولی در اقلیم سرد سیر انسان بیشتر قوت دارد، تحریک پذیری و پرخاش‌گری کمتر و اکثرا افراد خون سرد و آرام به نظر می‌آیند.^۷

۶. (منتسکیو، روح القوانین، ترجمه و نگارش، مهتدی، علی اکبر، جلد اول کتاب چهاردهم، ص ۴۸۵)

۷. محمد، صالح ولیدی، رساله علمی و عملی در اصول و مبانی جرم شناسی ص ۱۰۴

۲.۱.۲ تاثیر درونی:

عوامل متعددی از نظر بیولوژیک و فعالیت برخی غدد داخلی متاثر از میزان دما است

۲.۲.۱ اکسیژن و سایر مواد خارجی در هوا:

اکسیژن عامل مهمی است که به واسطه نیاز سیستم عصبی به آن تاثیر به سزایی بر اراده و قدرت تصمیم گیری می گذارد اهمیت اکسیژن به واسطه تاثیر است که بر گلبول های قرمز خون دارد عمل قلب و عکس العمل انتهای لیاف در آن جا بهتر است و مواد مایع بدن حال تعادل بیشتری دارند و خون بهتر به طرف قلب می رود چرا که بر اثر تاثیری که اکسیژن بر گلبول های قرمز خون می گذارد حجم خون را کم و زیاد می کند وقتی اکسیژن به حد کفایت و سالم باشد خون بهتر به قلب می رود و در نتیجه قلب بیشتر قوت دارد و در این صورت این زیاده قوه تاثیرات متعدد دارد از جمله این تاثیرات اعتماد به نفس کاملی عنی تهور و فعالیت، شناسایی به حس تفوق شخصی یعنی گذشت و عدم تمایل به انتقام و اعتقاد راسخ به امنیت یعنی صداقت کامل و نداشتن حيله و سوء ظن این صفات نتیجه مستقیم توانایی و سلامتی است حال آن که اگر در حجم خون اختلالی حاصل شود (به دلیل عدم کفایت اکسیژن یا ناسالم بودن آن) تاثیر عمیقی بر مغز گذاشته و اراده را دچار اختلال می نماید.

۲.۲.۲ اثرات فشار هوا و ارتفاعات بر انسان:

همان گونه که می دانیم ارتفاع باعث کاهش فشا هوا و بالطبع کمبود اکسیژن حاصل می آید این کمبود در نقاط مرتفع به علت کمبود فشار عمل جذب اکسیژن است، از این رو جذب اکسیژن در خون سخت تر، کند تر و کمتر است، اکسیژن بر فعل و انفعال مغزی موجودات تاثیر به سزایی دارد لذا وقتی به دلیل افزایش ارتفاع و در نتیجه کاهش فشار هوا و جذب اکسیژن در خون کاهش می یابد. خونی که به مغز می رسد نیز از اکسیژن کمتری برخوردار است و از آثار کمبود اکسیژن در مغز ضعف اراده، قدرت تصمیم گیری و تاخیر در تصمیم گیری است.

۲.۲.۳ گرما و غدد تناسلی:

افزایش حرارت موجب فزونی تحریک غدد تناسلی و ترشحات این غدد خواهد شد به همین دلیل افراد اقلیم گرم زودتر به حد بلوغ می رسند در اقلیم سرد سیر تحریک پذیری غدد تناسلی به مراتب کمتر و دیرتر واقع میشود مثلاً پستانیک فنلاندی تا سن ۱۸ سالگی ممکن است معلوم نباشد اما در ممالک گرم سیری هم چون کشورهای عربی ممکن است یک دختر حتی در سن ۱۰ سالگی امکان ازدواج یابد این امر متاثر از فعالیت غدد تناسلی است. حتی احتیاجات جنسی در بین مردم نقاط گرم سیر و سردسیر متفاوت است در کشورهای جنوب بدن انسان مثل یک ماشین دقیق، ضعیف و حساس به عشق است، در حرم سراها افکار مرتب به تولید عشق متوجه می شوند و تسکین می یابند و یا به عشق دیگری مشغول می گردند و در نتیجه زن ها را به کلی آزاد می گذارند تا هزاران هوس و آسفتگی از آن تولید شود.

در کشورهای شمال بدن شبیه ماشینی است که سالم و خوب ساخته شده اما زمخت است چنین بدنی لذت خود را در چیز هایی می داند که بیشتر اعمال بدنی را تحریک کند و بنابر این از شکار، مسافرت، جنگ و شراب لذت می برد.^۸

حتی انحرافات جنسی نیز در نزد اهالی گرم سیر بیشتر از مردم سردسیر و ملت های نواحی معتدل است البته گرمی هوایی از عواملی است که موجب بلوغ زودرس می شود موارد و عواملی چون تغذیه، تحریکات جنسی و وراثت نیز نقش موثری در بلوغ دارند.

۲.۱.۳ از نظر روانی:

تاثیر آب و هوا علاوه بر جسم تاثیر ژرفی بر اعصاب و آستانه تحمل افراد دارد آب و هوای ناسالم موجب تقلیل تحمل و کاهش ظرفیت اعصاب افرادی گردد از این رو در فرد حالت نوروژ رخ داده و زمینه ابتلا به برخی بیماری های روانی فراهم می آید همان طور که طبیعت آب و هوا را با در جهت عرض و طول جغرافیایی تشخیص می دهند درجهی حساسیت سکنه هر محل را نیز میتوان از طبیعت آب و هوای آن محل تشخیص داد و برعکس؛ منتسکیو در فصلی از کتاب روح القوانین بیان می کند حتی طبیعت آب و هوای یک محل رانیز می توان به وسیله سنجش درجهی حساسیت سکنه آن محل تشخیص داد.

شناخت زمینه ابتلا به بیماری های روانی و تاثیر آب و هوا بر این بیماران سال ها مورد توجه و تحقیق روان شناسان و روان کاوان واقع شد به گونه ای که از نظر علمی نیز مورد تایید و قابل توجیه است چرا که یک شخص سالم در مدت یک شبانه روز (۲۴ ساعت) به ۱۵۲۰ لیتر هوا نیازمند است تا استنشاق کند، در این صورت مقدار اکسیژنی که وارد بدن میشود در حدود ۵۰۰ لیتر است حال اگر فرض کنیم در هوایی که شخص استنشاق می کند به میزان ۱/۱۰۰۰ حجم خود هوای آلوده و مضر باشد در مدت ۲۴ ساعت حدود نیم لیتر از آن مواد آلوده یا سمی به بدن وارد میشود. این مقدار در میزان اکسیژن و سلامت اکسیژنی که بدن برای گردش خون نیازمند است موثر افتاده و موجب اختلال در اعضای بدن مانند عضو حساس و مهمی چون دستگاه تهویه بدن شده و از این رو اکسیژن به اندازه کافی و لازم به مغز و اعصاب نرسد در این حالت صبر و بردباری و اخذ تصمیم منطقی به غایت کاهش می یابد در نتیجه چنین فردی در قبال کوچک ترین تحریکی، عکس العمل شدید و غیر منطقی از خود نشان داده و کم کم حالت نوروژ در او ایجاد و احتمال ابتلای به بیماری روانی در او تشدید می شود.^۹

ایجاد زمینه و نقش آب و هوا در ابتلا به بیماری های روانی به عنوان عاملی مستقل، صرف و منحصر نیست بلکه در کنار عوامل دیگری چون عوامل اجتماعی، جسمانی و... برای بروز جرم موثر خواهد افتاد پس شاید بتوان گفت آب و هوایک شرط لازم برای بروز رفتار غیر عادی است که باید شرایط کافی دیگری با آن هم سو و همراه گردد تا عمل ضد اجتماعی از قوه به فعل در آید و پدیدهی مجرمانه حاصل شود.

قوت الیاف بدن ملل شمالی باعث می شود که مفیدترین و کامل ترین عصاره ها را از مواد غذایی استخراج کرده حد اعلائی استفاده را ببرند. از این کار دو نتیجه گرفته میشود:

یکی این که «شیل» و «لنف» به به واسطه سطح بزرگ خود شایستگی بهتری دارند که روی الیاف الصاق شده و آن هارا تعدیه کنند دیگر این که به واسطه ی زمختی استعداد دارند عصاره عصبی را رقیق نمایند، بنابراین مللی که دارای هیكل های بزرگ هستند کمتر عصبانی می شوند. منتسکیو با مشاهده میکروسکوپی و مطالعاتی که برنسخ خارجی زبان یک گوسفند آن جام داد (در زمانی که زبان منجمد شده و مقایسهی آن با زبان در شرایط دمای عادی) تایید می کند که در کشور های سرد سیر دسته های عصب کمتر شکفته اند، داخل غلاف خود می شوند و از عمل

۹. محمد، صالح ولیدی، رساله علمی و عملی جرم شناسی، پیشین ص ۱۲۱

و تاثیر اشپای خارجی محفوظ می‌باشند بنابراین احساس تند نیست و مردم در مقابل لذات کمتر حساس می‌باشند، ولی در کشورهای معتدل این حساسیت بیشتر است و در کشورهای گرم سیر به حد اعلی می‌رسد.^{۱۰}

همان طوری که طبیعت آب و هوا را با درجات عرض جغرافیایی تشخیص می‌دهند میتوان به وسیله‌ی درجه حساسیت سکنه هر محل هم طبیعت آب و هوا را تشخیص داد. موضوع درد ورنج هم به همین ترتیب و در اثر پاره شدن یک لیف از الیاف بدن تولید می‌شود هر قدر این به هم خوردگی بیشتر شود درد ورنج بزرگ تر خواهد بود مسلم است که هیكل های بزرگ و تنومند و الیاف زمخت بدن مردم ساکن شمال کمتر از الیاف رقیق مردم ساکن جنوب قابل به هم خوردگی است، بنابراین در آن جا روح کمتر درد ورنج را احساس می‌کند.

پوست بدن یک نفر از اهالی کشور روسیه را باید کند تا قوه‌ی احساس به او داده شود، در کشورهای گرم سیر چون اعضای بدن لطیف هستند روح به وسیله‌ی هر چیزی که به مقاربت و تمایلات جنسی مرد وزن ارتباط دارد متاثر می‌شود و هر کاری به قصد این منظور انجام می‌گردد ولی در کشورهای شمالی عمل طبیعی عشق به زحمت قوه اظهار وجود دارد.^{۱۱}

۳. تاثیر پذیری مذهب، آداب و اطوار و قوانین در اقالیم

قوانین هر کشور متأثر از طبیعت و خصوصیات سرزمینی، تمایلات مردم، شرایط آب و هوا، عادات، رسوم و دین است وی که اهمیت خاصی برای عوامل طبیعی به خصوص آب و هوا قایل بود محیط جغرافیایی را مهم ترین عامل موثر در صفات جسمانی و خصایص روانی انسان می‌داند است.^{۱۲}

سامویل کینگ خاطر نشان می‌سازد که اندیشه‌ی تأثیر قاطع محیط طبیعی در امور مربوط، بیشتر از زمان ارسطو آغاز شده است چنان که خود ارسطو علت عظمت یونانیان را محیط طبیعی مساعد آنان ذکر می‌کرد.^{۱۳}

کته و گری نیز به کمک آمار درصد تعیین و دست‌یابی به واسطه محیط جغرافیایی و جرم بر آمده اند، به نظر کته جرم از ناحیه انسان به طور انتزاعی قابل تصور نیست وی انسان را زاده و پرورش یافته محیط می‌داند از این رو اعمال او خواه ناخواه متأثر از محیط است

رفتار انسان به طور اعم و انحراف به طور اخص و نوسانات آن همانند یک تابع ریاضی معلول تغییرات شرایط طبیعی و اجتماعی و اقتصادی است. وی این رابطه علت و معلولی را با استفاده از آمار جرایم دادگستری فرانسه تبیین و با بهره گیری از نظریه قانون حرارتی نتیجه گرفت که اراده آزاد وجود ندارد و اگر یافت شود ملموس نیست کته معتقد بود که پدیده مجرمانه را باید از جهات زیر مطالعه و مورد تحلیل قرار داد:

- ۱- از نقطه نظر مجرم (با لحاظ سن، جنس، شرایط جسمانی و روانی، حرفه و.....)
- ۲- از نقطه نظر محل وقوع جرم (یا مکان): شهر، روستا، کوهستان، مجامع عمومی و.....
- ۳- از نقطه نظر زمان وقوع جرم: شب، روز فصول و ایام تعطیل

۱۰. بنا بر نظریه قدیمی در فیزیولوژی در بدن انسان دو دوران بزرگ وجود دارد یکی دوران خون که شیل نامیده میشود و دیگری دوران ماده که لطف گفته میشود - این دو دوران در بدن دو وظیفه می‌دارند که موجب ادامه حیات آدمی است اولی انسان را تغذیه و حفظ می‌کند و دومی اعصاب و استخوان ها را نگهداری می‌نماید.

۱۱. مقدمه ابن خلدون انتشارات بنگاه ترجمه محمد گنابادی ۱۳۳۹ ص ۱۵۵

۱۲. مستکیو، روح القوانین ترجمه علی اکبر مهندی ص ۳۲۵

۱۳. محمد، صالح ولیدی، رساله‌ی جرم شناسی، پیشین، ص ۴۹

۳.۱ جرایم متأثر از شرایط آب و هوایی:

در تعیین رابطه علت بین شرایط محیط طبیعی و بزه کاری که از مطالعات و تحقیقات دانشمندان نتیجه شد آب و هوا و درجه حرارت بیش از سایر جنبه های محیط جغرافیایی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است در این مورد پس از دانشمندان قرون وسطی کتله و گری اولین کسانی بودند که با عنوان قانون گرمایی فصل جدیدی در مطالعات علمی جرم شناسی گشودند فصلی که اگر چه چون سایر نظرات جرم شناسی منتقدینی دارد اما با کمی اغماض در برخی نتایج شاید بتوان مدعی شد که هنوز هم رابطه علت و معلولی بین درجه حرارت و جرایم ارتكابی حاکم است. این نظریه که بعد ها توسط انریکو فری جرم شناسی ایتالیایی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت مبین این قانون است که در نواحی و اقالیم گرم سیر یعنی جاهایی که درجه حرارت بالاست جرایم علیه اشخاص بیشتر واقع می گردد برعکس در مناطق سردسیر و نواحی که درجه حرارت پایین است جرایم علیه اموال بیشتر رخ می دهد. کتله و گری با بررسی مقایسه ای آمار جنایی دادگستری فرانسه بین سالهای ۱۸۲۵ تا ۱۸۳۰ مشخص کردند که در برابر هر ۱۰۰ جرمی که در شمال فرانسه علیه اشخاص رخ داده آمار جرایم علیه اموال حدود ۱۸۵ فقره بوده است.

منطقه	جرایم علیه اشخاص	جرایم علیه اموال
شمال فرانسه	۱۰۰ فقره	۱۸۵ فقره
جنوب فرانسه	۱۰۰ فقره	۴۸ فقره

به طور قطع یکی از اموری که زمینه ساز سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت است، داشتن محیطی سالم و امن است، که انسان بتواند در پناه آن، به تربیت جسم و جان خویش بپردازد و اصولاً یکی از وظایف مهم بشر که حفظ جان است، جز با زیستن در محیط سالم و زیبا امکان پذیر نیست. بدین سبب شرط اولیه داشتن روحی سالم، جسم سالم است و جسم سالم نیز فقط زمانی حاصل می شود که انسان از محیط زیست طبیعی سالم و دل گشا بهره مند باشد.

محیط زیست سالم تأثیر شگرفی بر روح و روان آدمی دارد. محیط پاک و آراسته و خرم، زندگی را شاداب و معطر می سازد. آب و هوا، درختان و گیاهان، غذاها و میوه ها و به طور کلی طبیعت و محیط زیست نقش عظیمی در زندگی بشر دارند. از این رو سلامت محیط زیست بر هوش و استعداد و لیاقت های فردی اثر می گذارد و میانه روی در اخلاق و منش متأثر از میانه روی در محیط زیست است.

ساکنان مناطق معتدل کره زمین، دارای ویژگی ها و روحیه های خاص هستند که مقایسه با جوامع ساکن در مناطق گرم سیر و سردسیر، از تفاوت بسیاری برخوردارند. محیط زیست افزون بر تأثیر در قد و قامت و چگونگی اندام ظاهری، بر فکر و اندیشه و اعمال و رفتار انسان دارای تأثیر شگرف است.

قرآن کریم و روایات اسلامی فواید بسیار آب، هوا، گیاهان و درختان را با تعبیرهای بسیار دقیق و گاهی شگفت انگیز برشمرده اند و از تأثیر به سزای آن ها بر تن و روان آدمی سخن گفته اند. چنان که قرآن کریم درباره اثر محیط زیست می فرماید: «و البلد الطیب یخرج نباته باذن ربّه و الذی خبیث لا یخرج الا نکدا...» (سرزمین پاکیزه، گیاهش به فرمان پروردگار می روید؛ اما سرزمین های بدطینت و شوره زار، جز گیاه ناچیز و بی ارزش، از آن نمی روید).

تأثیر محیط زیست، موقعیت و محل جغرافیایی، مسکن و اطرافیان در کانون خانواده و به طور کلی بر زندگی انسان را کسی نمی‌تواند نادیده انگارد. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که دانش جدید به عنوان «اکولوژی» در کنار سایر دانش‌ها پدیدار گشته است. این دانش، عبارت است از: «مطالعه‌ی روابط میان موجودات و محیط زیست آن‌ها» بنابراین، «اکولوژی انسانی» تحقیقی درباره تأثیر انسان بر روی محیط زیست و تأثیر محیط زیست بر انسان می‌باشد. و محیط زیست به قول «راجرز» (متخصص دانش اکولوژی) نه فقط شامل وسایل مادی و فضای محیط بر دنیای انسان می‌گردد، بلکه اشیای غیر مادی (فرهنگ) را نیز در برمی‌گیرد، می‌باشد. و از این روست که در واقع طیف گسترده‌ای از عوامل احاطه‌کننده، اعم از انسانی و غیر انسانی، ملموس و غیرملموس را «محیط» گویند.

انسان موجودی تأثیر پذیر است؛ محیط اطراف بر او اثر می‌گذارند و شخصیت او در محیط زندگی او شکل می‌یابد.

خانواده به عنوان اولین محیط رشد و نمو انسان به نوبه خود در حد وسیعی تکوین شخصیت کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر محیط جغرافیایی اعم از مسکن و موقعیت آن در منطقه‌ای قرار گرفته باشد که احتمال هم نشینی و برخورد افراد با نمونه‌های مختلف و متعدد بزه کاری و انحراف بیشتر باشد احتمال وقوع جرم نیز در آن منطقه بیشتر خواهد بود. از این رو مطالعه میزان انحراف، جرم و جنایت در ارتباط با منطقه مسکونی و اطرافیان بزه کارتوجه جرم شناسان را به خود معطوف و تلاش مضاعفی در بررسی نوع و کیفیت جرایم و جرم‌زایی در شهر و روستا نمودند؛ در این مقوله نظریات و تفکراتی مطرح و بنیان جرم‌شناسی محیطی و علمی تشکیل گردید که به سبیل اختصار مهم‌ترین نظریات رادردیل مطرح میکنیم؛

۴. رهیافت‌های نظری در پرتو علوم جنایی

۴.۱ تئوری جبرگرایی محیطی

انریکو فری را می‌توان اولین جرم‌شناسی است که در رابطه با تأثیر عوامل محیط در وقوع جرم مسایلی را به طور جدی مطرح نموده است. وی طرف دار مکتب تحقیقی بود. به نظر وی عوامل به وجود آورنده‌ی جرم در سه سطح شخصی، محیطی و اجتماعی، قابل طبقه‌بندی هستند. عوامل شخصی بیشتر شامل عوامل ارثی و ژنتیکی^{۱۴} موجود در بدن فرد می‌باشد که وی را مستعد برای ارتکاب جرایم می‌نماید.^{۱۵} ولی در سطح شخصی عوامل دیگری از جمله: خانه و مسکنی که فرد در آن زندگی می‌کند، طبقه اجتماعی که فرد در آن متولد می‌شود و ... را دخیل می‌داند. توجه فری به خانه و مسکن محل زندگی فرد، به نوعی مؤید تأثیر گذاری غیر مستقیم مسکن در بروز برخی جرایم است. در سطح محیطی نیز فری، قایل به تأثیر شرایط جوی، دمای هوا، وضعیت شهر محل سکونت فرد و ... بود و در این مورد نیز بحث شهرسازی و نحوه تأثیر آن در جرایم را به طور ضمنی مورد اشاره قرار داده است. در سطح اجتماعی نیز به عواملی مثل فرهنگ، سطح آموزش، تراکم جمعیتی و ... پرداخته است. در مورد تراکم جمعیتی، به خصوص در شهرک‌ها و تأثیر مستقیم و غیر مستقیم آن در جرم،

۱. مجید، ح. ورجی بیگی، پایان‌نامه‌ی پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط، ص ۷۸.

۲. نجفی ابرندآبادی، علی و هاشم بیگی، حمید، دانش نامه‌ی جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۳.

توصیفات وی قابل توجه می‌باشد.^{۱۶}

به طور کلی، انریکو فری تأثیر محیط را بر جرم، به عنوان نقطه‌ی تمرکز نظریات خویش می‌شناسد و جهت پیش گیری از جرم نیز اقداماتی را پیشنهاد می‌کند که در برخی از آن‌ها توجه به امر مسکن و شهرسازی نیز ولو به صورت ضمنی ضعیف دیده می‌شود.

۴.۲ تئوری زیست بوم شناسی جنایی (شیکاگو)

تئوری زیست بوم شناسی بیشترین بحث و گفتگو در زمینه‌ی تأثیر معماری و شهرسازی در جرم دارد این‌یک مکتب جامعه شناسی شهری است در آمریکا آن جام گرفت. طرف داران چنین مکتبی، نام مکتب خود را «مکتب شیکاگو» Chicago school نهادند.

زیست بوم در معنای اولیه، شاخه‌ای از زیست شناسی است که در آن گیاهان و حیوانات در ارتباط با زیست گاهشان مورد مطالعه واقع می‌شوند. رابرت پارک، میان توزیع زندگی گیاهی در طبیعت و سازماندهی زندگی انسانی در جوامع، مشابهت‌هایی را پیدا کرد. وی که در سال ۱۹۱۴، ریاست گروه جرم شناسی در دانشگاه شیکاگو را بر عهده گرفت. تئوری «زیست بوم انسانی» خود را بر اساس دو مفهوم عمده‌ی زیر بیان نمود:

یک مفهوم، مفهومی بود که نوعی هم زیستی و احتیاج به یکدیگر در اجتماع‌های گیاهی را، با جوامع انسانی در شهرها مقایسه می‌نمود.

وی که استاد جامعه شناسی بود، از یافته‌های جرم شناسی نیز سود می‌جست. رابرت پارک در بررسی شهر شیکاگو حوزه‌های طبیعی رایفت که جوامع کوچک را تشکیل می‌دادند. در این حوزه‌ها، افرادی با نقاط اشتراکی از قبیل ملیت نژاد و... در آن جمع شده و زندگی می‌کردند، مثل محله‌ی سیاه پوستان و یا محله‌ی چینی‌ها. این حوزه‌ها دارای تعامل و یک پارچگی با هم دیگر بودند و به نوعی وابسته به هم دیگر محسوب می‌شدند. افراد ساکن در آن جا، جهت امرار معاش و گذراندن زندگی خود از هم دیگر کمک می‌گرفتند و هیچ‌یک به تنهایی قادر به گذراندن زندگی خود نبودند. علاوه بر روابط داخل این مناطق و جوامع کوچک، رابطه‌ی هم زیستی ارگانیک بین خود مناطق شهری نیز وجود داشت.

دومین مفهومی که پارک، تئوری خود را بر اساس آن‌ها بنا نهاد، فرآیندی بر گرفته از طبیعت بود. در طبیعت تعامل یک منطقه، ممکن است تغییر پیدا کند به طوری که گونه‌های جدید به هر دلیلی به آن منطقه هجوم آورده و به دلیل تعداد زیاد خود، آن منطقه را تحت تسلط خود در می‌آورند و پس از آن، دیگر گونه‌ها را از آن منطقه بیرون رانده و خود به جای آن‌ها می‌نشینند.

این سه مرحله یعنی «هجوم»، «چیرگی» و «جایگزین شدن» همواره در حوزه‌های طبیعی، امری عادی است.^{۱۷} پارک و دستیارش «ارنست برگس» این فرآیند طبیعی را در جامعه‌ی انسانی و شهری شیکاگو مورد بررسی قرار دادند. این دو به این نتیجه رسیدند که فرآیند سه مرحله‌ای «هجوم، چیرگی و جایگزین شدن» در درون جامعه‌ی شهری نیز رخ می‌دهد. برگس با بررسی تاریخ شیکاگو، چند منطقه را برای آن در نظر گرفت که این مناطق به نوعی دوایری هستند که از مرکز شهر به طرف بیرون گسترش می‌یابند و به تدریج از شهر نیز خارج می‌شوند و

۳. رضا، نوربها، زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، نشر دادآفرین، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵

^{۱۷}. park, R. E., Burgess, E. W., & McKenzie, R. D. The city, Chicago: University of Chicago press, ۱۹۲۵. P.۵۶

مناطق اطراف آن را پوشش می‌دهند. وی پنج منطقه‌ی شیکاگو را برای مطالعه شناسایی نمود. منطقه‌ی یک مرکز بازرگانی و تجاری شهر است که اکثر مناطق بازرگانی و تجاری در این منطقه واقع شده‌اند. منطقه دو بلافاصله پس از منطقه‌ی یک واقع شده است و به نوعی منطقه‌ی گذار از مناطق دیگر به سمت مناطق بازرگانی، جهت کسب و کار است. منطقه‌ی سه نیز بعد از منطقه‌ی دو قرار گرفته است و دائماً مورد هجوم و چیرگی و جانشینی توسط مراکز بازرگانی و صنعتی است که به دلیل پیشرفت تکنولوژی در شهر، دائماً در حال گسترش از منطقه‌ی یک به دو و آن گاه از دو به سه هستند. لذا خانه‌ها در این منطقه رو به ویرانی هستند. آپارتمان‌هایی بسیار ساده و محقرانه و کوچک در این منطقه قرار دارند که افراد فقیر و کم درآمد و نیز کارگران مناطق بازرگانی و صنعتی در آن‌ها ساکن هستند و هر لحظه نیز امکان خراب کردن خانه‌های افراد از سوی شهرداری، به جهت گسترش مراکز صنعتی و بازرگانی شهر می‌رود. لذا نامطلوب‌ترین مناطق و در نتیجه ارزان‌ترین آن‌ها جهت سکونت می‌باشند. منطقه‌ی چهار آخرین منطقه در درون خود شهر است که به لحاظ دور بودن از مناطق بازرگانی و صنعتی و مزاحمت‌های آن‌ها، دارای منازل گران و مخصوص طبقه‌ی ثروتمند جامعه می‌باشد. منطقه‌ی پنج که در آن سوی مرزهای شهری قرار گرفته است، منطقه‌ی رفت و آمدی را تشکیل می‌دهد و به نوعی منطقه‌ی سکونت‌ی افرادی محسوب می‌شود که قدرت خرید منطقه‌ی چهار را ندارند ولی از طرفی نیز به لحاظ فرهنگی مایل نیستند تا در منطقه‌ی سه سکونت نمایند.

برگس پس از توصیف این پنج منطقه، خاطر نشان می‌سازد که این پنج منطقه مدام در حال گسترش و رشد بوده و فرآیند هجوم، چیرگی و جانشینی توسط افراد و اعضای هر منطقه به سمت منطقه بعدی صورت می‌گیرد.^{۱۸} این تئوری که پارک تحت عنوان «زیست بوم انسانی» مطرح نمود، توسط جرم شناسان بعدی در مطالعه‌ی نواحی جرم خیز و علت آن مورد مطالعه قرار گرفت. «کلیفورد شاو» (Clifford R. Shaw) از جمله کسانی بود که از تئوری پارک در مورد علل بزه کاری اطفال و نوجوانان در شیکاگو استفاده نمود. وی در بررسی مساله‌ی بزه کاری اطفال و نوجوانان که حاصل آن را در مجله‌ای با کمک همکارش هنری مک کی منتشر کرده دو نتیجه‌ی مهم اشاره نمود:

اول این که این دو دریافتند محله‌های نواحی صنعتی یا بازرگانی سنگین و یا محله‌های چسبیده به این نواحی، دارای بیش‌ترین و بالاترین نرخ‌های بزه کاری هستند؛ به عنوان مثال مناطق اطراف کارخانه‌ها. این مناطق و محله‌ها دارای بیش‌ترین ساختمان‌های بلا استفاده بوده که دلیل آن، همان فرآیند سه گانه از جانب نواحی صنعتی و بازرگانی به این مناطق است.

دوم این که میزان بالای بزه در مناطق خاص، به دلیل نژاد، قومیت یا مهاجرت افراد ساکن در آن نیست، بلکه همواره و با هر ترکیب جمعیتی در آن مناطق، نرخ یک نواختی از جرم در آن منطقه‌ها وجود دارد و شاید بالا بودن نرخ جرم در میان دسته خاصی مثل سیاه پوستان، به دلیل الگوی توزیع مکانی آنان باشد که در مناطق جرم خیز وجود دارند و دلیل آن نیز قدرت اقتصادی پایین این دسته از افراد است که ناچار به زندگی آن‌ها در این مناطق هستند.^{۱۹}

^{۱۸}. Park, R. E., Burgess, E. W., & McKenzie, R. D. The city, Chicago: University of Chicago press, ۱۹۲۵, P ۷۴.

^{۱۹}. See: Shaw, C., & McKay, H.D. juvenile delinquency and urban areas. Chicago: university of Chicago press, ۱۹۴۲.

نتایج اساسی تئوری زیست بوم شناسی (شیکاگو) عبارتند از:

محلها، فرصت های بسیاری برای فعالیت بزه کارانه فراهم می کنند؛ استفاده از ساختمان های مخروبه جهت استعمال مواد مخدر از این گونه اند. هم چنین بزه کاری ارتباط تنگاتنگی با فرآیند هجوم، چیرگی و جایگزینی دارد. هنگامی که یک محل مورد هجوم واقع می شود، روابط نمادین و معرف تثبیت شده ی موجود در آن محل، به عنوان شناسه آن از بین می رود و لذا سازمان دهی طبیعی آن محل آسیب جدی می بیند. چنین محله هایی تبدیل به مناطقی می شوند که چون در حال گذار است هیچ نوع هم بستگی بین ساکنان آن وجود ندارد. از آن جا که ساکنان یک چنین محله ای، دایما در حال نقل مکان هستند، دیگر کسی همسایگان خود را نمی شناسد و از این رو بچه ها، حتی در محله ی خود نیز می توانند ناشناس بوده و دست به هر بزه ی بزنند. به عبارت دیگر این احساس «عدم کنترل از جانب دیگران» باعث بروز وقایع مجرمانه می گردد. مورد دیگری که به طور غیر مستقیم در جرم تأثیر می گذارد تغییر مداوم مدرسه ی کودک است. این مسأله از نظر آموزشی و انضباطی مخرب است. چرا که نوعی تضاد آموزشی در وی ایجاد می نماید. وی منطقه ی دو را به عنوان مثال بارز در این زمینه ذکر کرد و آن را منطقه ی دایمی گذار نواحی بازرگانی دانست.^{۲۰}

به دیگر سخن این سه عامل موجب از بین رفتن انسجام اجتماعی است: وضع اقتصادی متزلزل ساکنان، سیال بودن جمعیت، عدم تجانس جمعیت ساکن در محله.^{۲۱}

لذا دانشمندان این مکتب جهت پیش گیری و کاهش جرم پیشنهاد نمودند تا بیشترین تمرکز و توجه بر روی محله ها و دگرگونی های ساختاری و ساختمانی در آن ها و نیز اعمال تغییرات از طریق برنامه ریزی صورت گیرد.^{۲۲}

دراکولوزی شهری به هنگام مطالعه انواع جرایم دونظریه بیش از همه مورد توجه قرار می گیرد: نظریه تاکید بر مکان ویژه ای بخش مرکزی شهر و نظریه ی محیط مساعد، این دودیدگاه نیز برپایه نظریات اکولوژیکی استوار است؛ تقسیم بندی مناطق مختلف شهری، شناخت و توجه به ساختار فرهنگی و اجتماعی مناطق جزء اجزای تئوری هاست. در تئوری مکان ویژه به مکان های خاص شهر و به ویژه بخش مرکزی که در آن میزان جرایم بیشتر از سایر مناطق است، تأکید می شود. طبق این تئوری، با دور شدن از بخش مرکزی از میزان جرایم کاسته می شود (۳). و در تئوری محیط مساعد به محدوده ی خاصی از شهر که به دلایل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی مساعد برای ارتکاب جرایم می باشد، اهمیت می دهد و شرایط محیطی این محدوده ها را در رابطه با انواع جرایم مورد بررسی قرار می دهد (۴). از این دو نظریه تحت عنوان تئوری تاکید بر مکان ویژه و محیط مساعد یاد می شود.

۴.۳ تئوری کنترل اجتماعی افراد

از دیگر نظریات مهم جرم شناسی که همواره به عنوان یک تئوری بسیار مهم در تمامی مطالعات جرم شناسی مورد تحقیق و مطالعه قرار گرفته است، می توان به بحث کنترل اجتماعی افراد توسط حکومت اشاره نمود. همواره دو نظریه و بحث بسیار داغ مطرح بوده است: یکی این که، فرد تمایل به آزادی تمام دارد حتی اگر آزادی وی، باعث ضربه به حقوق دیگران بشود. به عبارت دیگر بشر به صرف بشر بودنش برای دستیابی به آرامش تمامی حصارها و قوانین اجتماعی را در خواهد نوردید مگر آن که به نحو ملزومی از این عمل منع شود.^{۲۳} دومین نظر این است که بشر

^{۲۰}. Shaw, CR. Delinquency Areas, Chicago: university of Chicago press, ۱۹۲۹, P:۸۲.

^{۲۱}. علی حسین، نجفی ابرند آبادی، تقریرات جامعه شناسی جنایی، دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۸۴) ص ۳۹.

^{۲۲} Ipid. P:۹۳.

^{۲۳} حسن علی موذن زادگان، پیش گیری از وقوع جرم در قانون اساسی، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، اسفند ۱۳۷۷، ص ۹۳.

همواره تمایل به رعایت قانون و حرکت روی مدار قانون دارد و به جز افراد معدودی، نوع بشر در هر شرایطی به اصول و قواعد اجتماعی پایبند خواهد بود، حتی اگر به قیمت از دست دادن پاره ای از آزادی‌هایش تمام بشود.^{۲۴} با ارزیابی این دو مساله می‌توان مرز بین درست کاری و عمل خلاف را نوعی کنترل و نظارت بیرونی بر اعمال افراد اجتماع دانست. چرا که بحث بین این دو نظریه این است که چنانچه کنترل وجود نداشته باشد فرد مرتکب عمل خلاف می‌شود یا خیر؟ مطابق این دیدگاه یکی از راه‌های پیش‌گیری از جرم، افزایش کنترل‌های اجتماعی و بیرونی می‌باشد. چرا که تا وقتی که بشر احساس می‌کند که از جانب مقامی کنترل می‌شود، همواره مواظب اعمال و رفتار خود خواهد بود و حداقل سعی می‌نماید در حضور آن کنترل‌کننده هیچ‌گاه مرتکب اعمال خلاف قانون نشود. برای موفقیت در کنترل میزان جرایم، باید با اقدامات وضعی حالتی را پدید آورد که بتوان افراد را به نحو شایسته ای کنترل کرد. بنابراین، معماری و شهرسازی نقش بسیار مهمی خواهد داشت. چرا که یکی از مولفه‌های ارتکاب جرم، نحوه‌ی معماری ساختمان‌ها و علاوه بر آن، نحوه‌ی چیدمان ساختمان‌های کنار هم و چگونگی طراحی شهر و خیابان‌ها و محله‌ها می‌باشد. «از این رو توجه معماران و طراحان شهری معطوف به این مطلب مهم گردد که همواره در عین حفظ حریم خصوصی افراد، امکان نظارت و کنترل بر اعمال افراد را به وجود بیاورند؛ به خصوص در مکان‌هایی مثل پارک‌ها یا ساختمان‌های مخروبه و نیمه‌کاره که امکان وقوع جرم در آن‌ها زیاد است. به علاوه باید همواره صرفه‌ی اقتصادی و اجتماعی این اقدامات و هم چنین مسایل مربوط به زیبایی را در نظر گرفت»^{۲۵}.

۵. فرایند پیش‌گیری از پدیده مجرمانه:

پیش‌گیری در لغت به معنای جلوی تحقق چیزی را گرفتن آمده است و هدف اصلی آن تأثیر گذاری و تحت الشعاع قرار دادن یکی از عوامل ارتکاب جرم است؛ برای پیش‌گیری تعاریف بسیاری ارائه شده که در دو دسته معانی عام و معانی خاص طبقه بندی می‌شود.

در معنای عام پیش‌گیری در ذهن عوام کمک به فقرا، مسجد رفتن و ورزش پیش‌گیری تلقی می‌گردد و نیز تأمین مسکن، اشتغال و... در زمره‌ی عوامل پیش‌گیری از جرم شمرده می‌شود.

امادر معنای خاص: پیش‌گیری مجموعه اقداماتی است که هدف غایی آن منحصراً به صورت جزئی محدود کردن دامنه ارتکاب جرم، غیر ممکن کردن آن، مشکل کردن و کم کردن احتمال وقوع جرم است. البته اقدام پیش‌گیرانه می‌بایست جمعی، غیر قهر آمیز و غیر کیفری باشد.

پیش‌گیری در مفهوم مضیق فقط تدابیر کیفری را شامل می‌شود و در واقع پیش‌گیری کیفری با تهدید کیفری تابعان حقوق کیفری از یک سو، و به اجرا گذاشتن این تهدید از طریق مجازات کسانی که ممنوعیت‌های کیفری را نقض کرده اند از سوی دیگر، در مقام پیش‌گیری عام (استفاده از جنبه‌های ارعاب آمیز حقوق کیفری و مخصوصاً مجازات است با این استدلال که ترس از دستگیری و مجازات، افراد را از ارتکاب جرم منصرف می‌نماید) و پیش‌گیری خاص (پیش‌گیری از تکرار بزه توسط بزه کار، که با اصلاح مجرمین محقق می‌شود) از جرم است»

در مفهوم موسع پیش‌گیری شامل اقدامات کیفری و غیر کیفری برای خنثی کردن عوامل ارتکاب جرم و کاهش

۲۴. See: Lowman, J. The geography of social control: Clarifying some themes. In D. Evans & D. Herbert (Eds.), The geography of crime. New York: Routledge, ۱۹۸۹, p.۴۱

۲۵. Merry, S. E. Defensible space undefended: Social factors in crime control through environmental design. Urban Affairs Quarterly, ۱۹۸۱ p۱۴, p۳۹۷

بزه کاری است؛ پیش گیری غیر کیفری خود به دو گونه وضعی واجتماعی تقسیم شده اند؛ پیش گیری اجتماعی مجموعه اقدام های پیش گیرانه است که بر کلیه محیط های پیرامون فرد که در فرایند جامعه پذیری نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی هستند تأثیر می گذارد. این روش پیش گیری از جرم با تمرکز بر برنامه های تکمیل، سعی در بهبود بهداشت زندگی خانوادگی، آموزش، مسکن، فرصت های شغلی و اوقات فراغت دارد تا محیطی سالم و امن ایجاد نماید»

پیش گیری وضعی را «اقدام پیش گیرانه معطوف به اوضاع واحوالی که جرایم ممکن است در آن وضع به وقوع بپیوندد.» تعریف کرده اند و هدف آن اتخاذ ترتیبی است که بهای ارتکاب عمل مجرمانه را برای مرتکب بیش از سود حاصل از آن گرداند چرا که از نظر طرف داران پیش گیری وضعی انسان موجودی حساب گراست و سود و زیان عملش را می سنجد.

برای رسیدن به این هدف روش های پیش گیری وضعی در سه دسته طبقه بندی شده اند:

۱- روش هایی که کوشش وتلاش برای ارتکاب جرم را افزایش می دهد.

۲- فنونی که ارتاب جرم را پر خطر می کند.

۳- وسایلی که جذابیت موضوع جرم را کاهش می دهد.

۵.۱ توسعه شهرها و ضرورت پیش گیری وضعی از پدیده مجرمانه

در قرون اخیر پدیده شهرنشینی، ظهور و توسعه شهرها تحول ژرفی در زندگی اجتماعی انسان ها ایجاد کرده است؛ ازدیدگاه جرم شناسی تاثیر شهرنشینی، تغییر نیازها وبروز کجروی و انحرافات ناشی از آن موردتوجه قرار گرفته چراکه زندگی شهری به واسطه موقعیت آب وهوایی، جمعیت، تفاوت باورها و تعارض فرهنگ ها به شدت سلامت جسمانی، روحی و اخلاقی افراد را به مخاطره افکنده است.

ازاین رو با توجه به اهمیت شهرنشینی دردنیای جدید وتمركز بزه کاری در این مناطق توسل به پیش گیری از جرایم در مناطق شهری می تواند بهترین عملکرد را داشته باشدچرا که ویژگی های خاص جوامع شهری مانندتراکم جمعیت وكاهش نظارت، شیوه های معماری وشهرسازی وسیاست مسکن، معضل حاشیه نشینی و... اثر گذاری بر موقعیت های مکانی جرم زا واستفاده از قابلیت های محلی در پیش گیری از جرم را بیش از پیش ضروری کرده است.

رونالد کلارک که تئوری پرداز اصلی پیش گیری وضعی است چهار کلید اصلی و در زیر عنوان هر کلید چهار

استراتژی مطرح می کند که امروزه به کاربردن آن بسیار مثمر ثمر خواهد بود.^{۲۶}

این استراتژی ها عبارتند از:

کاهش ارتکاب جرم

سخت کردن آماج جرم

کنترل ورودی ها

کنترل تسهیل کننده های ارتکاب جرم

تغییر جهت مجرمان

^{۲۶}. پرستو، زندگی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۱، ص ۶۸

افزایش خطر ارتکاب جرم

تحت نظارت قرار دادن ورودی‌ها و خروجی‌ها

نظارت طبیعی

نظارت رسمی

نظارت به وسیله کارمندان

کاهش سود حاصله از ارتکاب جرم

جا به جایی آماج

نشانه گذاری اموال

حذف جذابیت وسایل

جلوگیری از منافع (مانند رمز گذاشتن بر روی ضبط یا موبایل که بدون آن غیر قابل استفاد می‌شود)

حذف معاذیر (یا از بین بردن عواملی که باعث تحریک به ارتکاب جرم می‌شوند)

برقراری مقررات

تحریک وجدان

کنترل رها کننده‌ها

تسهیل رعایت قانون

همان طور که ملاحظه می‌گردد پیش‌گیری وضعی به جای پرداختن به انگیزه‌ها و عوامل اقتصادی و اجتماعی جرم که تغییر آن‌ها مشکل و زمان بر است، به دنبال افزایش خطر و تلاش ارتکاب جرم و کاهش منافع حاصل از ارتکاب جرم است. راهبردهای این شیوه پیش‌گیری که با ایجاد تغییر در محیط فیزیکی و شیوه‌های نظارت و کنترل، در صدد کاهش آمار جرم است. بخشی بر تغییرات محیطی، بخشی بر کنترل بزه کاران و بخشی دیگر بر حفاظت از بزه دیده گان تمرکز یافته است.

درپیش‌گیری وضعی جلوگیری از وقوع یا تکرار پدیده مجرمانه (اعم از جرم یا انحراف) مستلزم دخل و تصرف و ایجاد تغییر دریک محیط یا وضعیت جرایمی چون سرقت می‌گردد.

۵.۲ راهبردهای محیطی در کاهش پدیده مجرمانه

دولت می‌تواند از ابزار معماری برای پیش‌گیری از جرم استفاده کند. اما در این فرآیند با سه دسته مشکل روبروست. مشکل اول مربوط به آموزش معماران درباره‌ی کنترل جرم است. به عنوان یک رشته علمی، معماران توجه چندانی به پیش‌گیری از جرم نمی‌کنند، بلکه بیشتر به زیبایی، کارایی و امور سنتی طراحی تکیه دارند. مشکل دیگر مربوط به متخصصین حقوق جنایی است که به هنگام بررسی جرم بیشتر به مجرمان و جبران خسارت می‌اندیشند.^{۲۷}

دسته‌ی سوم، مشکلاتی است که استفاده از معماری می‌تواند به نقض حریم خصوصی و آزادی افراد وارد کند و باعث جابه جایی جرم به محل‌های دیگر می‌شود.

۱. سید محمود، میر خلیل، فصلنامه‌ی حقوق، مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره‌ی ۳۸، شماره‌ی ۳ پاییز ۸۷، ص ۲۵۱

چارچوب تحلیلی و عملی برای مهار نیروی معماری بر سه نقش متمایز دولت تمرکز دارد: دولت به عنوان احداث کننده، دولت به عنوان ناظر و دولت به عنوان مجری. حتی اگر دولت ها نخواهند این پیشنهادات را بپذیرند، شناخت راجع به نقاط مشترک بین معماری و جرم می تواند به مجریان قانون در پیش بینی محل احتمالی وقوع جرم کند.

۵.۳ دولت به عنوان احداث کننده

دولت در خصوص ساخت خانه و فضاهای عمومی می تواند مقرراتی را وضع نماید که بر پیش گیری از جرم تکیه دارند. ساخت خانه هایی که اصول پیش گیری از جرم در آن لحاظ شده است علاوه بر کاهش ناهنجاری های اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی، هزینه های اجرای اقدامات امنیتی در ساختمان بسیار کمتر از هزینه ی وارده از جرم است. به ویژه مقررات دولتی می تواند راهبردهای کاربردی مربوط به معماری را در ساختمان الزامی کند.

هم چنین ساختمان ها و پارک های فراوانی وجود دارند که متعلق به دولت اند. بنابراین توجه دولت ها در پیش گیری از جرم در این زمینه ها قطعاً در کنترل جرم مؤثر خواهد بود. فضای عمومی این قابلیت را دارد که با طراحی مناسب به محلی امن تبدیل شده و سر زندگی را به محیط شهری افزایش دهد و از طرف دیگر عدم توجه دولت به این مساله می تواند موجب تبدیل این فضا با فضاهایی فاقد کاربری مشروع خود شود. ارزیابی از امنیت این فضاهای کی از کارهایی است که دولت باید همواره نسبت به فضاها آن جام دهد. دولت ها برای کاهش جرم به انحای مختلف می توانند خیابان های شهر را دوباره طراحی کنند. نخست، توجه بیشتر به روشنایی این محیطها تا حد زیادی مانع جرم می شوند. دوم، محله ها می توانند محل ایستگاه های اتوبوس و دیگر وسایل حمل و نقل عمومی را به گونه ای تغییر دهند که نزدیک کوچه ها و دیگر مسیرهای سهل الفرار قرار نداشته باشند و در این صورت نرخ جرم را کاهش دهند. چهارم، برای افزایش طبیعی، درختان یا دیگر گیاهان را می توان در امتداد خیابان ها کاشت تا خیابان ها جذاب تر شوند. به طور منظم خیابان ها باید نظافت و پیاده روها باید تعمیر شوند. محله ها می توانند با استفاده از دستگاه های کنترل ترافیک (مانند تابلوها و علائم محلی، مناطق میخ کوبی شده به منظور هشدار، ناهموازی و دست اندازها) و محدودیت های ترافیکی (اجرای تکنولوژیکی محدودیت سرعت در محله ها، محدودیت رفت و آمد اتوبوس ها و کامیون ها، ممنوعیت گردش، کنترل پارک ها و توقف گاه ها)، موجب افزایش رفت و آمد بدون وسیله نقلیه و پایین آوردن سرعت فرار و گریز بشوند.

دولت می تواند پرداخت وام به مؤسسات مربوطه را مشروط به وجود ساز و کارهای مناسب برای پیش گیری از جرم نماید و وام را پس از معاینه و بازرسی اجرای ایمن سازی در محیط پرداخت نماید. دولت اطلاعات فراوانی درباره ی محل وقوع جرم و محل های مساعد برای ارتکاب جرم در اختیار دارد که میتواند بارانمایی مهندسان، سازندگان ساختمان و مشتریان و تامین منابع تعیین کننده نوع طراحی مخصوص هر منطقه پیش گیری از جرم را تسهیل نماید.

۵.۴ دولت به عنوان متولی

دولت به عنوان تنظیم کننده ی روابط افراد در جامعه، از ابزارهای نظارتی متعدد و مؤثری در مورد نظارت بر ساخت و ساز مبتنی بر اصول پیش گیری از جرم برخوردار است. دولت در سطح کلان باید بتواند چشم انداز شهری خود را مشخص نماید. در سطح خرد نیز باید با تعیین دستورالعمل هایی افراد را به رعایت جنبه های پیش

گیری از جرم ترغیب کرده و موقعیت و مالکیت ساختمان های خصوصی و فضاهای عمومی را به سوی پیش گیری از جرم تنظیم نماید.^{۲۸} از جمله ملزم نمودن طراحان و سازندگان ساختمان به ارائه گزارش مربوط به تاثیر ساخت بنا بر محیط اطراف و کاهش جرم، نظارت موثر بر ساخت و سازها و تشویق مردم به اتخاذ سیاست های پیش گیری از جرم با تصویب قوانینی که دیگران راه کارهایی که دولت به عنوان متولی می تواند آن جام دهد، مشخص کردن چشم انداز شهری و منطقه بندی در شهرهاست. در این میان نحوه راه های دسترسی و ترکیب کاربری بسیار مهم است. دولت باید تا جایی که می تواند از کاربری مجزا اجتناب کند. شهرهایی که منطقه بندی های خود را تنظیم کرده اند، نرخ های جرم کمتری داشته اند. متأسفانه، بسیاری از منطقه بندی های حاضر نسبت به اهداف پیش گیری از جرم بی توجه یا حتی متضاد عمل می کنند. ساختمان های مذهبی، راباید به نحوی راهبردی بنا نهاد؛ به این صورت که مرکزیت یافتن عبادتگاه ها کمک می کند تا سازمان اجتماعی گسترش یابد. قرار دادن عبادتگاه ها در نقاط مرکزی موجب نظارت طبیعی در محیط نیز می شود. به همین خاطر، اماکن خاصی نظیر مساجد می توانند از نرخ جرم بکاهند زیرا موجب احساس ندامت یا گناه در مرتکبان بالقوه می شوند.

نوع منطقه بندی اتخاذ شده را باید مرتباً در پرتوی شرایط اقتصادی و اجتماعی متغیر مورد ارزیابی قرار داد. اگر منطقه ای در آستانه افزایش جرمی قرار گیرد، شهرها می توانند با هماهنگی کادر خانه سازی، منطقه بندی یا بهداشت عمومی کوشش کنند تا مانع پیشرفت فیزیکی و یا کاهش سرعت آن شوند. چنین کوشش هایی مانع بروز نرخ بالای جرم، باعث افزایش میزان بالای ترس از جرم و تعهد نسبت به محله می شوند.

و نیز نوع منطقه بندی را می توان آشکارا با هدف ترغیب ساکنان به ماندن در یک منطقه ی جغرافیایی برای یک مدت طولانی انتخاب کرد. یک عامل مهم در حفظ کیفیت محله ها و پیش گیری از تبدیل به زاغه ها، تشویق ماندگاری و ریشه دواندن در اجتماع است. هر اندازه ای که مناطق شهری ناهمگونی بیش تری داشته باشد، به همان میزان توانایی ساکنان برای ماندن سست تر می شود. با جابه جایی و گردش جمعیت، جرم افزایش می یابد زیرا زمانی که افراد بر این باور باشند که فقط مدت کوتاهی در یک محله ساکن هستند، شبکه های اجتماعی نمی توانند شکل بگیرند. هنگامی که افراد هم دیگر را به خاطر جابه جایی زیاد ساکنان خوب نشناسند، در این شرایط ظهور رفتار نوع دوستانه و هویت جمعی بسیار بعید خواهد بود.

اگر نگره داشتن ساکنان در یک محله در مدتی پایدار، موجب کاهش نرخ جرم شود، می تواند استدلال کم و بیش محکمی در جهت کنترل اجاره در نواحی جرم خیز باشد. کنترل اجاره بها (که مانع افزایش اجاره بها توسط مالکان از درصد خاصی می شود) ضرورتاً افراد را ناگزیر می کند در محل های فعلی خود بمانند. چنین ثباتی موجب تقویت هویت محلی و نهایتاً پیش گیری از جرم شوند.

گزینه ی دیگر برای تشویق معماران، طراحان و سازندگان ساختمان این است که طرح دعاوی مسیولیت مدنی علیه مهندسان معماری و مالکان به جهت عدم رعایت اقدامات کافی امنیتی است.

۵.۵ دولت به عنوان عامل اجرای قانون

به عنوان نمونه سامان دهی مکان های جرم خیز: دولت از فرآیندهای مدنی و کیفری برای نظارت بر استفاده ی

^۱ پرستو، زندی، پیشین، ص ۷۱

خصوصی از زمین استفاده می‌کند. این تکنیک‌ها سالهاست که مورد استفاده واقع می‌شوند. شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد خرابه‌ها و ساختمان‌های متروکه فضاهای مساعدی برای ارتکاب جرم هستند؛ در واقع دولت می‌تواند از طریق سامان دهی این مناطق (حذف، تغییر کاربری، بستن و ...)، علاوه بر ایجاد تصویری مثبت در فضا، از وقوع بسیاری از جرایم نیز بکاهد.

هم چنین جرایم علیه معماری: برخی جرایم مستقیماً معماری را مورد حمله قرار می‌دهند. نمونه‌ی تاریخی آن مربوط است به جرم برگلری، که طبق کامن لا، مستلزم «هتک حرز» و «ورود» است. قانون برگلری متمایل به تشویق بزه دیدگان بالقوه برای اتخاذ تدابیر احتیاطی و استفاده از معماری برای پیش‌گیری آسان است. مسأله دسترسی نشان می‌دهد که جرایم علیه معماری را باید مجازات کرد زیرا مجازات این جرایم مانع از ارتکاب جرایم مهم‌تر می‌گردد. همین‌طور گویای این است که اگر جرایم خاص را بتوان به سادگی با معماری ختنی کرد، چه بسا لازم نباشد مقامات اجرای قانون این همه منابع برای مبارزه با جرایم اختصاص دهند.

سیاست جنایی مشارکتی و پلیس محلی (استفاده از جامعه‌ی محلی برای برقراری نظم): پلیس سنتی یک نهاد دولتی است که وظیفه‌ی خود را اجرای قانون می‌داند، حال آن‌که پلیس محلی عضو جامعه و مردم است که در صدد جلوگیری از به وجود آمدن جرایم است. نظم آوری جامع، افراد بیش‌تری را به خیابان‌ها می‌کشاند در جایی که افراد می‌توانند به عنوان چشم‌های ناظر بر خیابان عمل کنند. این نهاد با مشارکت متشکل‌های مردمی به اجرا گذاشته می‌شود، بدین صورت که شأن و منزلتی والا به اجرای قانون می‌بخشد و با ایجاد احترام برای اجرای قانون موجب کاهش ترس از جرم می‌شود. نظم آوری جامع مؤثر، مستلزم اطلاع دادن ساکنان از محیط‌های نا امن و شیوه‌های برخورد با این مشکلات است.

۶. برنامه ریزی جهت جبران عقب افتادگی‌ها

مهار و کنترل پدیده مجرمانه به عنوان چالشی که امروزه تمامی جوامع در صدد غلبه بر آن هستند معضلی نیست که تنها از طریق اعمال سیاست‌های کیفری و اعمال روش‌های موقت بتوان آن را به بند کشید. پدیده‌ی مجرمانه (اعم از انحراف، خلاف، جنحه، جرم) در هیچ انسانی از آغاز نهادینه نیست محیط‌ی یعنی آن‌چه انسان ابتدا خود می‌سازد و سپس خود در دام آن می‌افتد آن چنان عامل نیرومندی است که ساختنش مستلزم تدابیر و سیاست‌های خاصی است؛ اگر دولت‌ها بدون توجه به شرایط، نیازها و مولفه‌های زمانی اعضای جامعه تنها انتظار تمکین و حرکت در چارچوب قوانین داشته باشند هرگز امنیت مستولی نشده و مهاربزه کاری غیرممکن است.

امروزه محققان علوم اجتماعی و دینی معتقدند صیانت اجتماع از گزندبزه کاران و نجات افراد از چنگال بزه کاری و اصلاح اخلاقی مجرم نیازمند تجدید نظر کلی در سیاست کیفری است؛ سیاستی که باید در آن به شخصیت فرد، سن، جنسیت و زندگی او در اجتماع توجه شود. نیازمندی هر انسانی بسته به شخصیت، جنسیت، سن، اقلیم و... تعیین می‌شود؛ فرد پیش از آن که مجرم باشد انسان است و جامعه و حکومت مکلفند به عنوان سرپرستی دلسوز کلیه عوامل و شرایطی را که مبنای لغزش و سقوط فرد به طرف بزه کاری است با دید علمی و دقیق مورد شناسایی قرار داده و بر اساس آن سیاست کیفری مناسب را برای حمایت از اجتماع و اصلاح بزه کاران پیش‌بینی نمایند.

در این میان جامعه زمانی می‌تواند به یک نظم عمومی، عادی و عادلانه دسترسی یابد که موفق شود با تجدید نظر

در قوانین، سیاست های کیفی و اجرای یک برنامه صحیح کلیه آمار تبعیض و عقب افتادگی ناشی از تاثیر عوامل محیطی، شخصی در جبران نیازهای مرتفع نشده گام بردارد تامین امکانات، توسعه روستاها و اقلیمی که به واسطه دوری از شهر های بزرگ در فقر فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی، درمانی و... به سر می برند و ناچار ترک دیاری می کنند که با فرهنگ آن هم سنخ و در واقع تمامی داشته هایشان است.

نتیجه گیری

پدیده مجرمانه امنیت را خدشه دار و اعتماد عمومی به دولت ها را ضعیف خواهد کرد، لذا کنترل آن از مهم ترین وظایف حکومت هاست و این نیازمند توجه به مؤلفه های بسیاری است که یک عزم ملی از سوی تمامی اقشار و اعضای پیکرهی اجتماع (دولت- مردم و...) و تأمین بودجه، اعتبارات، آموزش، به کارگیری تجارب و مدیریت مناسب را می طلبد.

برای مقابله با بزه کاری باید به همه ارکان و عوامل توجه نمود و به عبارت دیگر پیش گیری نیازمند توجه به سه عامل جرم، مجرم و بزه دیده به عنوان ارکان اصلی بزه کاری است و پیش گیری از جرم با هدف کاهش فرصت ها و انگیزه مجرمانه انجام می گیرد چرا که ارتکاب جرم به روش های مختلفی صورت می پذیرد و کشف جرم علاوه بر اتلاف زمان هزینه هنگفتی را تحمیل می نماید.

به دیگر سخن مبارزه با جرم و کج رویه ای اجتماعی منوط به شناخت عوامل جرم زا است با از بردن این عوامل یا کاهش اثرات آن می توان از بروز جرایم پیش گیری و یا حداقل از میزان آن کاست.

مطالعات نوین و تجارب گذشته همگی مبین این واقعیت است که صرفاً تعقیب کیفی و مجازات مجرمین نمی تواند برای زدودن پدیده مجرمانه از پیکرهی اجتماع کافی باشد و به طور یقین تا عوامل جرم زا در جامعه موجود باشد مبارزه با مجرم به عنوان معلول، علی رغم بودجه عظیمی که صرف می شود بی فایده است.

بنابراین گونه های مختلف آب و هوایی، فرهنگی و آداب و رسوم حاکم بر اقلیم مختلف در حد وسیعی در پیدایش و تغییر کنش ها و اعمال هنجار شکن تأثیر گذار است، فلذا شناخت محیط به عنوان مهم ترین علل مولد جرم نخستین گام مؤثر در مبارزه با بزه کاری به منظور از بین بردن عوامل جرم زا و یا حداقل کاهش اثرات سوء آن است.

پیشنهادها:

علاوه بر مدیریت زمان در فصول مختلف سال و توجه به شرایط اقلیمی مستولی بر استان های مختلف از قبیل تعیین ساعات کار ادارات، وضع قوانین مناسب اقلیمی و...، جهت جبران عقب افتادگی و رفع تبعیض های جغرافیایی راهبردها و تدابیر عملی پیش رو را میتوان چنین بیان کرد:

الف: اقداماتی که دستگاه های اجرایی باید در جهت جبران عقب افتادگی با توجه به وظایف و مسیولیت قانونی اتخاذ نماید:

۱- ایجاد صنایع ملی، توسعه کشاورزی و دامپروری مکانیزه از طریق تخصیص منابع مالی، تسهیلات قرض الحسنه بلندمدت و آموزش های متخصصین.

۲- اجرای تدابیر و سیاست های پیش گیرانه مربوط به محیط فردی هم چون اشتغال زایی برای همه افراد جامعه

بالاخص جوانان، اعمال راه کارهایی جهت مشارکت فعال جوانان در فعالیت های اجتماعی، تلاش در جهت ایجاد روزنه های برون ریزی مشروع هیجانی، اطلاع رسانی و آگاهی سازی آحاد جامعه با حقوق فردی اجتماعی و روش های جامعه

۳- اجرای تدابیر و سیاست های پیش گیرانه مربوط به محیط خانوادگی هم چون ارتقای نقش تربیتی خانواده ها از طریق آموزش و آرایه‌ی شیوه صحیح تربیتی به والدین، تلاش در جهت تحکیم مبانی اخلاقی خانواده ها که بیشترین تأثیر را بر نحوه‌ی شکل گیری شخصیت فرزندان دارند تقویت و بهبود روابط بین نهادهای اجتماعی هم چون خانواده و مدرسه در جهت هدایت و نظارت مؤثر بر فرزندان .

۴- ایجاد تشکیلات خاصی که متشکل از نهادهای قضایی، تقنینی و اجرایی در هر استان به منظور حصول اطمینان از اجرای تدابیر و سیاست های پیش گیرانه.

۵- تأمین و توزیع عادلانه امکانات اقتصادی و اجتماعی، رفاهی، خدمات عمومی و بهداشت و درمان در سطح استان ها، شهرستان ها و روستاها

۶- پر کردن اوقات فراغت جوانان با برنامه های آموزنده و تفریحات سالم و رفع نابرابری های موجود در توزیع این قبیل خدمات رفاهی در مناطق

۷- تلاش برای تأمین کمبودها و رفع تبعیض در توزیع جغرافیایی مؤسسات آموزشی در سطوح مختلف مناطق محروم

۸- تلاش در جهت استحکام فرهنگ سنتی ساکنان بومی اقلیم و افزایش فرهنگ و اعتقادات مذهبی از طریق فعال تر نمودن نهادهای دینی

۹- اقدام در جهت ارتقای سطح سواد و آگاهی عمومی در جامعه و متحول ساختن کمی و کیفی نظام آموزشی مطابق با دستاورد های جدید علوم

۱۰- تلاش برای بازگشتی فراگیر به سوی ارزش ها و هنجارها و احترام به سنت ها و رسوم گذشته از طریق آموزش همگانی

۱۱- بالا بردن سطح در آمد و رفاه خانواده ها و مهار تورم بالاخص در روستاها و شهرهای کوچک

۱۲- تقویت نیروهای امنیتی مرزها جهت مبارزه با پدیده قاچاق که عموماً شرایط محیطی اقلیم در وقوع آن تأثیر مستقیم و بسزایی دارد

۱۳- تعمیم عدالت اجتماعی از طریق توزیع عادلانه در آمد ملی

۱۴- سیاست های پیش گیرانه مربوط به محیط تحمیلی هم چون ایجاد مراکز روان درمانی و مشاوره در کلیه‌ی زندان ها، ایجاد مجازات های جایگزین حبس، ایجاد مراکز بازپروری جهت درمان معتادان و توجه بیشتر عوامل انتظامی به مناطق جرم خیز

۱۵- تلاش در جهت استیلای عدالت اجتماعی به صورت مطلق و فراگیر (توزیع عادلانه فرصت ها، درآمدها، شایسته سالاری) و حمایت از خانواده (قوانین حمایتی، صیانت از حقوق کودک و زن، پاسداری از کیان خانواده و تسهیل شرایط ازدواج، نهادینه سازی مشاوره برای خانواده و مددکاری خانواده)

ب) اصلاح قوانین به منظور اجرای صحیح عدالت

اصولاً اجرای عدالت به سه عامل قانون خوب، قاضی فاضل و دستگاه اداری سالم بستگی دارد؛ این عوامل چنان

بایکدیگر پیوستگی و ارتباط دارند که اصلاحی کی بدون دیگری ممکن نخواهد بود مثلاً قانون هر اندازه دقیق و منطبق با حوایج طبیعی بشر و مقتضیات زمانی و مکانی باشد اجرای آن به وسیلهی قاضی و دستگاه اداری صورت میگیرد بنابراین تا زمانی که این سه عامل هم طرازیکدیگر مورد توجه قرار نگیرند اقدامات اصلاحی مثمر ثمر نخواهد بود.

به نظرمی رسد روش معمولی که بر اساس آن کادر قضایی دادگستری ها و سایر مراجع قضایی تأمین می گردد عموماً در جهت فصل خصومت است که احقاق حق و اجرای عدالت هم چنین برخی قوانین قضایی را از تحصیل دلیل منع کرده در حالی که اجرای عدالت ایجاب می کند قاضی تلاش کند برای کشف حقیقت هر سندیا دلیلی را که موثر در دعوی است بیابد، مورد توجه قرار داده و پس از بررسی کامل، براساس دلایل و اسناد به احقاق حق و صدور حکم مبادرت نماید ولو اصحاب دعوی به آن استناد نکرده باشند. چون قوانین به معنای عام عبارت است از روابط لازم و تأثیرات و نتایج مستقیمی که از طبیعت موجودات، شرایط محیط و نیازمندیهای اعضا حاصل می گردد. باتوجه به جریانات اکولوژیک، خصوصیات مناطق و تأثیر آن بر رفتارها به منظور رفع چالش ها و کند نمودن فرایند بزه کاری می پذیرد:

۱- برخی قوانین دست و پاگیر که بی تردید مانع مهمی در برنامه ریزی ها و اقدامات مولد است حذف گردد. اقداماتی هم چون مالیات بر صادرات، مالیات بر تولیدات کشاورزی و...

۲- از آن جا که تورم بنیاد اجتماعی کشور را متزلزل می کند و این واقعه تلخ عموماً بردوش کارگران و اقشار آسیب پذیر است بایستی سیاست های حمایتی به نحوی از انحا به عنوان قانون در جهت کاهش فاصله طبقاتی در آید.

۳- قانون گذاران بد معایب محیط (آب و هوا، کمبودها و...) را تقویت می کنند و قانون گذاران خوب با آن معایب مخالفت می کنند. قوانین عموماً به صورت کلی و با اعمال شرایط و خصوصیات پایتخت و شهر های بزرگ تصویب میشود در صورتی که قانون خوب قانونی است که با توجه به شرایط و خصوصیات جغرافیایی و براساس نیازهای اقلیم مختلف وضع گردد؛ به دیگر سخن قوانین باید با اوضاع کشور، با آب و هوای سوزان یا منجمدیا معتدل هر اقلیم، با چگونگی خاک و بزرگی و کوچکی منطقه با نوع زندگی و حرفه اکثریت مردم آن منطقه مذهب، تمایلات، ثروت، تعداد؛ اخلاق، عادات، نوع تجارب و با رفتار و منش مردم تناسب داشته باشد و به طور کلی قوانین باید با تمام جوانب و جزئیات محیط و مردمانی که بر آن ها مسلط می شود و روابط آن ها را تشکیل می دهد مطابقت داشته باشد البته قوانین سیاسی و مدنی هر ملتی باید طوری تدوین گردد که عقل انسانی آن ها را بپذیرد.

۴- قوانین برخلاف آن چه ادعا می کنیم بعضاً به گونه ای وضع نشده که مجازات با رفتار مجرمانه هماهنگ و متناسب باشد، اشخاص براساس شرایط، اقتضا و نیازشان رفتار می کنند این رفتارها باید در وضع قوانین جهات مخففه، عفو، موارد تشدید مجازات، حدود مسئولیت کیفری و مدنی مد نظر باشد.

۵- تغییر قوانین و سیاست های استانی و به کارگیری استعدادهای نهفته در اقلیم مربوط به خود (متاسفانه هر جا استعدادی یافت می شود بلافاصله در صدد انتقال آن به پایتخت هستیم بدون توجه به جغرافیای علوم، نیازها و توانایی ها)

۶- اصل احقاق حق جانشین فصل خصومت گردد^{۲۹}

۷- اصلاح قوانین ملی شدن جنگل ها و مراتع با توجه به شرایط محیط طبیعی و اقتصادی در جهت رفع مشکلات ناشی از آن

۸- اصلاح و اجرای صحیح قانون معافیت مالیاتی و گمرکی بر اساس نقاط مختلف کشور هم چون مناطق مرزی جهت جلوگیری از قاچاق اموال و کالاهای گمرکی

۹- وضع قانون اختصاصی بخشی از درآمدهای استان های محروم به منظور توسعه خود آن استان هم چون تخصیص بخشی از در آمد های نفتی برای رفع محدودیت استان خوزستان

۱۰- وضع قوانین جهت جلوگیری از تزریق، تجمیع و تمرکز بودجه استانی در یک شهر و بودجه بندی منابع حسب نیازمندی های مناطق و در عین حال احاله و تفویض اختیار به فرمان داران، نمایندگان و حتی شهرداری ها و بانک های هر شهر در چارچوب قانون

۱۱- اصلاح و اجرای قانون محدودیت واردات بالانحصار واردات محصولات کشاورزی، دامی و حمایت از کشاورزان، تولید کنندگان داخلی و تلاش جهت ایجاد رغبت در بین کشاورزان و شالی کاران هم چون خرید مستقیم محصولات کشاورزی از کشاورز به بهایی مقبول و حذف واسطه ها

۱۲- اصلاح قوانین شهرداری در حمایت از اقشار مختلف جامعه (عموما شهرداری ها از پیکره دولت خارج و تبدیل به یک مؤسسه تجاری و سود آور شده که با اعمال فشار بر مردم و به جای ارایی خدمات منافع خود را در رأس برنامه ها می دانند)

۱۳- اصلاح قوانین بیمه و قوانین مالیاتی (مالیات بر ارزش افزوده و....) که عملا زیان غیر قابل توجیهی نصیب مصرف کننده می نماید.

۱۴- اصلاح قانون نظارت بر تولیدات و تولیدکنندگان داخلی، کوتاه کردن دست واسطه ها، تشدید مجازات جعل و کلاه برداری در تولید کالاهای اساسی و اجرای صحیح آن نه صرفا شعارگونه.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی

کتب

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، بنیاد حقوقی میزان، پاییز ۱۳۹۰.
۲. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، نشر مروارید- چاپ شانزدهم ۱۳۸۷
۳. صالح ولیدی، محمد، رساله علمی و عملی در اصول و مبانی جرم شناسی ۱۳۶۰
۴. کی نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی، ج ۳، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، (۱۳۷۹)
۵. مقدمه ابن خلدون، انتشارات بنگاه ترجمه محمد گنابادی ۱۳۳۹
۶. منتسکیو، روح القوانین، ترجمه و نگارش، مهدی، علی اکبر، جلد اول کتاب چهاردهم،
۷. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تقریرات جامعه شناسی جنایی، (۱۳۸۴)
۸. نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه‌ی جرم شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، (۱۳۷۷)
۹. نجفی توانا، علی، جرم شناسی، تهران، انتشارات خیام، چاپ اول، ۱۳۷۷
۱۰. نوریها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، نشر دادآفرین، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۴

مقالات

۱. ادیبی، علی اصغر، اصول کلی نورپردازی در پارک‌های شهری، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۷، ۱۳۸۵
۲. اسلام پور، عسکری، مقاله تاثیر محیط زیست سالم بر انسان در آموزه های اسلامی، شماره ۳۰۰، آذر ۸۵
۳. اقلیم شناسی جرم، مجله‌ی علمی پزشکی قانونی شماره ۲۵ زمستان ۸۱
۴. بحرینی، حسین و تاج بخش، گلناز، مفهوم قلمرو در فضاها‌ی شهری و نقش طراحی شهری در تحقق آن، مجله هنرهای زیبای دانشگاه تهران، شماره ۶، ۱۳۷۷.
۵. پنجره های شکسته (۱۳۸۲)، پلیس و امنیت محلی ویلسون و کلینگ، ترجمه‌ی محمد صدری توصیه خانه، مجله‌ی حقوقی دادگستری، ش ۴۳،

۶. پودر آتچی، مصطفی، فضاهاى بدون دفاع شهری، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شده، ۱۳۷۶.
۷. پوراحمد، احمد و رهنمایی، محمدتقی وکلانتری، محسن، "بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران"، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۲، ۱۳۸۲.
۸. توسلی، غلام عباس، عارضه‌های مسکن نا سالم و واکنش‌های روانی و اجتماعی، مجله‌ی محیط نشینی، شماره سال ۱۳۸۱.
۹. جامعه شناسی جنایی، مطالعه‌ی علل محیطی در تکوین جرم، مجموعه مقالات حقوقی.
۱۰. چایلر، باری گود، طراحی مسکن، فرم شهر و توسعه‌ی پایدار، ترجمه‌ی ایرج اسدی، فصلنامه‌ی مدیریت شهری، ۱۳۷۹.
۱۱. شیدایی، حسین، حاشیه نشینی و مشکلات و راه کارها، فصلنامه‌ی حقوقی قوه قضاییه، مجموعه‌ی مقالات پیش‌گیری از جرم ۱۳۸۸.
۱۲. کلانتری، محسن، بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، رساله‌ی دکتری، دانشکده‌ی جغرافیا دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
۱۳. مجموعه مقالات پیش‌گیری از جرم، معاونت اجتماعی و پیش‌گیری از وقوع جرم قوه‌ی قضاییه، چاپ اول، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه‌ی قضاییه، تهران (۱۳۸۲).
۱۴. محمدنسل، غلامرضا، فرایند پیگیری از جرم، فصلنامه‌ی حقوق دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱ بهار ۱۳۸۹.
۱۵. میر خلیلی، سید محمود، جامعه شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، پردیس قم سال ۱۳۹۱.
۱۶. میر خلیلی، سید محمود، توسعه شهرها و ضرورت پیش‌گیری وضعی از بزه کاری، فصلنامه‌ی حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۷.
۱۷. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تقریرات جرم شناسی، دوره‌ی دکتری دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
۱۸. نیازپور، امیرحسن، "پیش‌گیری از بزه کاری در قانون اساسی و لایحه قانون پیش‌گیری از وقوع جرم"، مجله‌ی حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، سال ۱۳۸۲.

پایان نامه‌ها

۱. حسینی کجانی، سید مهدی، پایان نامه، نقش محیط در بزه کاری، ۱۳۸۴.
۲. زندی، پرستو، طراحی محیط، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ۱۳۹۱.
۳. قورچی بیگی، مجید، پیش‌گیری از جرم از طریق طراحی محیط، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه پردیس قم، تابستان ۱۳۸۶.
۴. کاظمی، هوشنگ، پایان نامه سیمای جنایی کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ۱۳۸۷.
۵. کلانتری، محسن، بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، رساله‌ی دکترای، دانشکده‌ی جغرافیایی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
۶. موذن زادگان، حسنعلی، پیش‌گیری از وقوع جرم در قانون اساسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، اسفند ۱۳۶۷.

ب) منابع لاتین:

١. See: Shaw, C., & McKay, H.D. juvenile delinquency and urban areas. Chicago: university of Chicago press, ١٩٤٢
٢. Shaw, CR. Delinquency Areas, Chicago: university of Chicago press, ١٩٢٩, P:٨٢.
٣. See: Lowman, J. The geography of social control: Clarifying some themes. In D. Evans & D. Herbert (Eds.), The geography of crime. New York: Routledge, ١٩٨٩.
٤. Merry, S. E. Defensible space undefended: Social factors in crime control through environmental design. Urban Affairs Quarterly, ١٩٨١ ١٦, ٣٩٧.
٥. Park, R. E., Burgess, E. W., & McKenzie, R. D. The city, Chicago: University of Chicago press, ١٩٢٥